سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار

۳۵

۲ صفحه

دوشنبه ۳ دی ماه ۱۳۵۸ — بها ۲۵ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

(اول ژانویه یازدهم دیماه)

آقای بازرگان! جاسوس بعدی، کدامیک از دوستان "پاک" شما است؟!

بعد از قیام شوراهای واقعی که در محله‌های شهر و روستا، در کارخانه‌ها، در سربازخانه‌ها، در ادارات و ... تشکیل شده بود، منحل شدن شدت فرصت طلبان و خائنینی افتاد که سابقاً در خدمت امپریالیستها بودند و با غصب مسئولیت مناصب آنها را اشغال می‌کردند.

از فردای بعد از قیام شوراهای شهری، بخصوص انقلابیون کمونیست افشای این عناصر مردود را در دستور کار خود قرار دادند. ما آنها سرسپردگان را شناساندیم و با افشاگری و بلوشیرهای و دیگر رسانه‌های گروهی و در سطح توهم و با آگاهی بوده‌ها، آنچه که خود بودند به شوراهای انقلابی نسبت دادند و مردم را علیه آنها بسیج کردند.

امروز با گذشت بیش از ۱۰ ماه از قیام خونین بهمن ماه، بسیاری از رفقایی که شورو ـ

های انقلابی مطرح میگردیدند، برای مردم روشن شده و ماهیت فرادکانیسه بازرگان مانند بزدی ها، چمران ها، قندی ها و ... تا حدود زیادی روشن شده است.

وقتی شوراهای انقلابی مهره‌های دولت بازرگان را افشا میکردند، وی عمل آنها را کارشکنی و خودسرای خرج دولت "گذاشتن

بقیه در صفحه ۱۸

شیوهٔ برخورد چریکهای فدائی خلق با مبارزات کارگران بیکار تهران

بعد از مقاله "اکونومیسم و آنارشیسم در حرف با هم دشمن اند ولی در عمل دست همدیگر را می فشارند" (کار شماره ۳۷)

رفقای فدائی در شماره ۳۷ طی مقاله‌ای تحت عنوان "اکونومیسم و آنارشیسم در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را می فشارند" مسائلی را در رابطه با تحرکات کارگران بیکار در وزارت کار مطرح ساخته‌اند. در این مقاله رفقای فدائی ظاهراً خواسته‌اند با تکیه روی ضرورت تشکل و آگاهی سیاسی ایدئولوژیک طبقه کارگر و "ضرورت تشدید مبارزات اقتصادی بیکاران با مبارزه ضد امپریالیستی بوده" به جنبه‌های منفی حرکات کارگران بیکار تحت تاثیر سیاست ایدئولوژیک گروههای نظیر بیکار و امثالهم و گروه اخیر دفعاتی برخورد نمایند.

بقیه در صفحه ۲

یزدی: دزدی که "امین قافله" میشود

چندی پیش دکتر یزدی وزیر سابق امور خارجه، از طرف آیت الله خمینی مامور رسیدگی به شکایات مردم استانها شد. این خبر بطور کلی در ذهن بسیاری از مردم این سوال را بوجود آورده که چرا یزدی، این حامی مستضعفین منافع آمریکا، حافظ قراردادهای اسارت بار امپریالیستی (۱) و مجری قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری خرید اسلحه از آمریکا چنین ماموریتی را عهده‌دار شده است. کسی که اسناد درز کرده در سفارت ایران در آمریکا را دزدید! (۲) کسی که همدست و همکار نزدیک بازرگان در مذاکره با برژینسکی و ردوسند با آمریکا بود و بالاخره کسی که به مادام نیکسون بکی از چهره‌های اصلی دولت خائن بازرگان تمام تلاش خود را برای حفظ سلطه امپریالیسم بکار برد ....

بقیه در صفحه ۲

چمران با اخراج کادرهای مبارز و مترقی از ارتش خواست اربابان آمریکایی‌اش را به اجرا در میاورد

جائی که ساواکیها، ضد اطلاعاتیهای سابق کسانی که به کشتار توده‌های مبارز پرداختند و کسانی که روابط سری خود با امپریالیست‌ها را به تنها حفظ کرده، بلکه تقویت هم کرده‌اند در راس کارها قرار دارند و مشمول "تعدیل" و تصفیه قرار نمی گیرند معلوم است که چه کسانی را از ارتش اخراج خواهند کرد.

صفحه ۹

- مسجد سلیمان
  اعتصاب در شرکت "پرسرنون"
- سوسنگرد
  اعتصاب در سازمان آب تصفیه
- اهواز
  مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل" و همبستگی آنها با کارگران "کسرش مسکن"
- در حضور ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان "جوکا" استاندار گیلان استیضاح شد!

صفحه ۳

- دهقانان روانسر کردستان: برادران دهقان متحد شویم!
- شورا انقلابی ضد فئودالی عشایر (فارس) را فراگرفته است

صفحه ۷

■ جنبش ملی — صفحه ۶

■ برگزاری مراسم ۱۶ آذر در مازندران — صفحه ۸

■ ریشه‌های بحران مسکن در ایران (۴) — صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ شیوه برخورد...

رفقای فدائی مدعی هستندکه "اکونومیستهای خط ۳ ازآنجاکه همواره جنبه اقتصادی مبارزه کارگران را درمدنظردارندوازهمه جنبه های مبارزه کارگران به مبارزه اقتصادی آنها بطورمشخص وبه مبارزه سیاسی آنها بطور مجردمی پردازند، خواهان تحمل کارگران بودند. جالب توجه است که این دوگروه (منظور گروههای خط ۳ وگروه اشرف دهقانی است) یکی با تفکراکونومیستی ودیگری با تفکرآنارشیستی دراین مورد به روش مشابهی می رسند. هر دو این گروه موفق شدند که کارگران بیکاررا درآن مقطع ازمبارزه سیاسی ضدامپریالیستی جاری، دورکرده وبیکانگی کارگران بیکاررااز سیاست پردوام ترسازند" (بنقل ازمقاله فوق الذکر).

ماقبل ازاینکه به مسئله تحمل کارگران بیکار وبررسی موضع رفقای فدائی وخودمان درباره آن بپردازیم، خوبست ببینیم رفقای فدائی که خواستاربردن آگاهی سیاسی بمیان طبقه وبه اصطلاح طرفدارمبارزه سیاسی بطورمشخص هستندمی خواهندکدام سیاست وکدام آگاهی سیاسی رابمیان کارگران ببرند.

رفقا معتقدندکه: "خرده بورژوازی بنابر ماهیت دوگانه ونوسانی خویش وخصلت تنگ نظرانه اش همه شرایط لازم را داردکه ازمسیر اصلی مبارزه منحرف شود. زمانی که توده های خرده بورژوازی وجناح سیاسی آن درحاکمیت درمبارزه با امپریالیسم آمریکا وبورژوازی وابسته به لیبرالها (؟!) درگیراست وبطور طبیعی انتظاریاری فعال ونامحدودپرولتاریا رادراین نبرددارد، وظیفه کارگران ونمایندگان سیاسی آنهاست که ازاین مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند. زمانیکه چنین حمایتی نمی شود، بطورطبیعی کارگران ناآگاه را متهم به آمریکائی بودن میکنند".

رفقای عزیز! کارگران ما، ماهاست که مبارزه ضدامپریالیستی میکنند، لیکن با این وجودبازهم آنها را متهم به آمریکائی بودن می کنند!! به این دلیل ساده که آنها (هیئت حاکمه) بازدن مارک آمریکائی، کمونیست، اخلالگر ونه فقط با متهم کردن، بلکه با بکاربردن اسلحه وزوردرمقابل کارگران سعی دارندمبارزات ضد امپریالیستی کارگران را درنطفه خفه کنند. مسلم است که اگرکارگران دنباله روسیاست هیئت حاکمه شوند، واگرازوی حمایت کنند و ازمبارزه واقعاً ضدامپریالیستی دست بردارند هیچ وقت به آمریکائی بودن هم متهم نمی شوند. شماکارگران ناآگاه وازاتهام به آمریکائی بودن می ترسانید، درحالیکه همین کارگران به اصطلاح ناآگاه با مبارزات خود ثابت کرده اندکه این آنها هستندکه درراس مبارزه ضدامپریالیستی خلقهای ما قراردارند. بگذارهیئت حاکمه کارگران ما را به آمریکائی بودن متهم کند، لیکن کارگران ما آلت دست

بقیه درصفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱ یزدی ...

اکنون چنین عنصری ما موررسیدگی به شکایات ودرددل های مردم گشته است! آنهم با گرفتن رای اعتماد از آیت الله خمینی. پس آنهمه توپ وتشرهای جمهوری اسلامی ودیگرجناحهای هیئت حاکمه به یزدی وبازرگان وامثالهم چه شد؟ لابد در "قحط الرجال" هیئت حاکمه کسی بهتر را وبیدا نمی شود!

این پیچ وخمها وبده بستانها درهیئت حاکمه چه چیزرا نشان میدهد؟ جزاینکه تضاد میان مواضع وسیاست جناحها وعناصر درون هیئت حاکمه تا آنجا بروز میکندکه منافع اصلی ومشترک همه آنها حفظ گردد. منافعی که تمام جناحهای هیئت حاکمه را با تمام تضادهایشان مثل زنجیری بهم متصل کرده ودربرابرخلق قرار میدهد. این زنجیربهیچ قیمتی نبایدگسسته شود. اگرزمانی سیاستها وشیوه های یزدی با روشهای جناح خرده بورژوازی درهیئت حاکمه منطبق نمی گردد (که این عدم انطباق نیز معمولا زمانی بروز میکندکه هیئت حاکمه تحت فشارشدیدجنبش انقلابی مردم واقع شود) باید بلافاصله به چاره جوئی پرداخت وازیک راه دیگر مهره های "ارزنده" ای چون یزدی راکه کارآئی وتوانائی اش درمانورهای خائنانه، مورد نیازاست، حفظ نمود. اگردریک جا به "ساحت مقدس" یزدی وبازرگان توهین میشود، درجای دیگربرای رفع هرگونه سوءتفاهم بایدازایشان اعاده حیثیت بعمل آیدواینچنین است که با فرمان آیت الله خمینی واعلام اینکه یزدی موردا عتماد است وی دوباره ازطرف هیئت حاکمه غسل تعمیدمی یابد. اگریزدی بهمراه بازرگان ازسمتهای خویش برکنارمیشوند، لازمست مجدداً درموضعی حساس قرارگیرند تا اعتبارازدست رفته بورژوازی خیانتکار و وابسته به امپریالیسم دربرابرمردم بدست آید. مخصوصاً یزدی این سرسپرده سیاستهای امپریالیستی ما موررسیدگی به خواستهای مردم میشودتا احتمالا با یکسری اصلاحات - اصلاحات تاجائی که برای رژیم امکان داشته باشد - محبوبیتی دست وپا کند. همین سیاست در موردبهشتی یکی دیگرازعاملان امپریالیسم در رژیم جمهوری اسلامی پیاده میشود. این شخص

> ● "ازنظرآقای یزدی محاکمه امریکا، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمالیته، چند نطق و خطابه علیه جنایات آمریکادرایران، رای به محکومیت آمریکا ودیگر هیچ!"

با دراختیاردانش بودجه ای کلان ۱٬۱۵۰٬۰۰۰٬۰۰۰ (یک میلیاردوصدوپنجاه میلیون تومان) - مامورسرپرستی خهادسازندگی میشود. بدین ترتیب می بینیم که مهره هائی چون یزدی وبهشتی که ازمحبوبیت توده ای برخوردارنبوده وتاحدودزیادی مغورمردم هستندرراس ارگانهای رفرمیستی واصلاح طلبانه رژیم می خزند تا موقعیت ونفوذخودودرمجموع هیئت حاکمه راتثبیت نمایندوهمه اینها به فرمان صریح آیت الله خمینی وبادادن رای اعتمادازسوی وی انجام میشود. اینجاست که میبینیدمنافع میان خرده بورژوازی مرفه با بورژوازی لیبرال ووابسته خیانتکارخودرانشان میدهدواینجاست که باردیگرثابت میشودخرده بورژوازی بقدرت رسیده نمی تواندضدامپریالیست باشدومستقل ازمهره ها وسرسپردگان امپریالیسم وبورژوازی لیبرال، خائنینی چون یزدی، جمران، بازرگان و... اعمال قدرت نمایند. موجودیت جناح خرده بورژوازی درهیئت حاکمه با موجودیت ایشان پیوندخورده است وضربه ای که به جناحهای وابسته ولیبرال واردمی آید مستقیم وغیرمستقیم موقعیت خرده بورژوازی در

بقیه درصفحه ۱۷

(۱) - البته یزدی دوروزقبل ازاستعفای خود قراردادودوجانبه نظامی ایران و آمریکا را لغومیکند، به این امیدکه آبروی ازدست رفته خودوهیئت حاکمه را بخرد. اما اگربختیار توانست با انحلال ساواک آبروئی دست وپا کنداینها نیزمیتوانند.

(۲)- دراوائل بهمن ماه ۵۷، زمانیکه آیت الله خمینی درپاریس بودوپس ازآنکه دانشجویان ایرانی سفارتهای شاه رادرکشورهای مختلف تصرف میکردند، یزدی هیئتی رابرای سرپرستی سفارت ایران درواشنگتن تشکیل داد. درراس این هیئت شهربازروحانی قرار داشت که یکی ازبستگان نزدیک یزدی وازافراد باندادودرآمریکاست. دراین هیئت یکی دیگر ازاعضاء باندادوبنام دکترجلیل ضرابی نیز شرکت داشت که هم اکنون یکی ازافرادمسئول در "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" است. هیئت مزبورکه با تائیدآیت الله خمینی به سرپرستی سفارت ایران درآمریکا - تاتعیین سفیر - مشغول بودبه اسنادبسیارمهمی دروابط ایران وآمریکا دست یافت. اماکوچکترین اثری ازآن اسنادبه اطلاع مردم نرسید. پس از تشکیل دولت موقت وزیرخارجه وقت دکترکریم سنجابی بارها خواستارآن شدکه اسنادمزبور به ایران ارسال شود. اماآقای یزدی که در آن زمان "معاون نخست وزیردرامورانقلاب" بودمانع ازارسال آن اسنادبه ایران وبا افتادن آن بدست وزارت خارجه گردید. وزیر خارجه با همه سازشکاریهای لیبرالی اش گویا منجمله دراعتراض بهمین دخالتها استعفاکردو خودیزدی این بارمستقیماً وزارت خارجه و در واقع ترمیم وتحکیم رابطه با آمریکا را عهده دار شد. کمیته سفارت آمریکا که ۴ ماه تمام این لانه جاسوسی راچون مردمک چشم حفظ کردواسناد روابط امپریالیستی وجاسوسی آمریکا علیه ایران ودیگرخلقهای منطقه را با امانتداری یک نوکربا وفانگهداری نمود، زیرنظرمستقیم یزدی قرارداشت. هیچکس ندانست این کمیته چه بود، ازکجا آمدوچرا مستقل ازکمیته های امام عمل میکرد؟!

برقرارباد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنبش کارگری

■ اهواز

مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل" وهمبستگی آنها با کارگران "گسترش مسکن"

کارگران شرکت ساختمانی ایران دارسل (کارهای این شرکت مربوط به گسترش مسکن بوده وپیمانکارمی باشد) روزسه‌شنبه ۱۳ آذر بدنبال اعتصاب کارگران شرکت گسترش مسکن، با اعلام‌خواستهایشان دست ازکارکشیدندوبرای ابرازپشتیبانی ازکارگران شرکت مسکن به محل این شرکت رفتند. همزمان با ورود این کارگران مبارزفریاد "درودبرکارگر"درفضای کارکاه‌طنین انداخت.

یکی ازنمایندگان کارگران گسترش مسکن، کارگران ایران دارسل رادرجریان وقایع قراردادوسپس یکی ازکارگران ایران دارسل بمیان جمع آمده‌وبه‌نمایندگی ازطرف کارگران اعتصابی ازمبارزات کارگران‌ابراز پشتیبانی کردوبه‌لزوم‌اتحاددرمیان صفوف کارگران اشاره‌کرد.وی درقسمتی ازسخنانش گفت:"ماکارگران درهرکجای دنیاکه‌باشیم، با هرفرهنگ وزبانی که‌باشیم‌دارای خصلت‌ها و دردهای مشترکی هستیم. ماهمگی ازظلم‌وجور سرمایه‌داران رنج می بریم‌ومورد استثمار سرمایه‌داران زالوصفت قرارمیگیریم ودراین راه‌تنهااتحادماکارگران ضامن پیروزیمان است".

بدنبال اعتصاب کارگران ایران‌دارسل که‌ازکمترین امکانات رفاهی وایمنی محروم‌اند،روسای شرکت ازتهران به‌اهوازآمده‌و با کارگران به‌مذاکره‌پرداختند. این زالوصفتان مفتخورطبق معمول مبارزات حق‌طلبانه‌کارگران راتخطئه‌کرده‌وآنها رابعنوان "ضدانقلاب" قلمدادکردند. یکی ازروسا این عمل راغیرانسانی دانسته‌ومیگفت: همین اعمال باعث شده‌که‌سرمایه‌داران ازمملکت فرارکنند، این اعمال نتیجه‌ای جز شکست دولت انقلابی ؟!ندارد.

این یاوه‌گوئیها موردا عتراض شدیدکارگران قرارگرفت. یکی ازکارگران فریادزد: شماکه‌دم‌ازانسانیت میزنید،پس‌چرااین چنین وحشیانه‌کارگران راغارت میکنید. چراحقوق کارگران رابعدازدوماه‌پرداخت نکرده‌اید."

کارگران ابتدا قصدداشتندمانع ازخروج روسا ازشرکت شوند،امابرا شرفریبکاری آنها و وعده‌وعیدپرداخت حقوق و...عده‌ای ازکارگران باخروجشان موافقت کردندوآنها موفق شدنداز اهواز خارج شوند.

بعدازاینکه‌کارگران ازفرارروسای شرکت مطلع شدند،نمایندگان خودرابرای شکایت ازکارفرمابه‌اداره‌کارفرستادند، امااداره کارازرسیدگی به‌شکایت آنها خودداری کرد. کارگران بدرستی دریافته‌بودندکه این اداره‌سرمایه‌داران است وقوانین آن هم به نفع سرمایه‌داران تمام‌می شود.

کارگران چهارنفرازنمایندگان خود را روزدوشنبه ۱۹ آذربرای پیگیری خواستهایشان به تهران فرستادند.

مرگ برسرمایه‌داران زالوصفت
مستحکم باد صفوف کارگران

■ شوشتر

اعتصاب درسازمان آب تصفیه

کارگران"سازمان آب تصفیه" شوشتر از تاریخ ۵۸/۹/۱۹ دست به‌اعتصاب زدند. این عده‌پس ازافشاگری علیه‌مدیرعامل وفرماندار خواستهای خودرادرحضور"مرعشی"رئیس اداره کارشوشترمطرح کردند، که‌بعضی ازآنها بشرح زیراست:

۱ ـ تساوی حق مسکن باکارمندان "سازمان"
۲ ـ پرداختن حق سختی کار
۳ ـ اخراج مدیرعامل وانتخاب مدیرعامل کاردان وفعال

رئیس اداره‌کاردرمقابل خواستهای کارگران می گویدکه‌اینها درقانون کار ذکر نشده‌است. دراین موقع یکی ازکارگران با صدائی رسا می گوید: "این انقلاب توسط زحمتکشان وکارگران انجام‌گرفت وتنهاکسانی هم‌که‌ازآن بی بهره‌مانده‌اند، ماهستیم. چرا تابحال یک قانون کارانقلابی بنفع زحمتکشان تدوین نشده است؟"

پس ازمدتی بحث وگفتگوسرانجام کارگران تاروز ۵۸/۹/۲۶ به‌فرماندارمهلت می دهندواعلام میکنند، اگرپس ازپایان مهلت مذکور، خواستهایشان عملی نشود، دوباره دست ازکارخواهندکشید.

واقعاًچه کسی درعمل ضدامپریالیست است؟

اخطار کارکنان شرکت لاوان
به‌وزیرنفت ومسئولین دولتی
برای ملی کردن شرکت های وابسته

درشرایطی که‌موج نوین جنبش ضدامپریالیستی خلقهای میهنمان، امپریالیسم جنایتکار آمریکاوارتجاع داخلی حامی آنرابهراس افکنده‌است،توده‌های مردم‌باطرح خواستهای انقلابی وضدامپریالیستی خودهیئت حاکمه راوامیدارندتاپرده‌ازچهره فریبکارانه‌وضدانقلابی خود بردارد.

کارکنان شرکت نفت لاوان که‌بدرستی دریافته‌اندمبارزه باامپریالیسم ازمبارزه‌با سرمایه‌داری وابسته‌وارتجاع داخلی جدانیست طی اعلامیه‌ای به‌وزیرنفت ومسئولین دولتی اخطارکرده‌اندکه‌اگرتاتاریخ ۵۸/۹/۲۵ نسبت به ملی کردن شرکتهای وابسته‌نفتی ازقبیل: "لابکو"، "یان‌آمریکن"، "ریمینتیکو"، "سوفیران" و"سریت"ونیز مصادره‌کلیه‌سهام امپریالیستها دراین شرکتها وتصفیه‌فوری وقاطع عناصر خیانتکارورژیم منحله‌وساواکیهای صنعت نفت بخصوص "لابکو"، اقدامی صورت نگیرد،مسئولیت اتخاذ تصمیمات بعدی، بعهده‌وزیرنفت ودیگرمسئولین دولتی میباشد(اطلاعات ـ ۵۸/۹/۲۰)

نفتگران قهرمان هرگزفراموش نخواهند کردزمانی راکه‌بخاطرمبارزه‌علیه‌امپریالیسم آمریکاتصمیم‌به قطع صدورنفت به‌آمریکا را داشتندوآقای معین فروزیرنفت جمهوری اسلامی، اخطارکردکه هرکس‌شیرهای نفت را ببندددضدانقلابی است. امابعدکه‌امپریالیسم آمریکااعلام‌کردکه‌نفت ایران راخواهدخرید، اینان فوراً ماسک ضدامپریالیستی برچهره زدندوفریادبرآوردندکه‌ماشیرهای نفت را بستیم!

کارگران وزحمتکشان! واقعاًچه‌کسی در عمل ضدامپریالیست است؟

نفتگران قهرمان که‌میخواستندبابستن شیرهای نفت،کینه‌ونفرت عمیق خودرانسبت به‌حضورامپریالیسم درکشورمان نشان دهند؟ یاآقای معین فرکه‌اینگونه کارگران مبارز راضدانقلابی میخواند؟

دهها سال است که‌نفت ماتوسط شرکتهای امپریالیستی غارت میشود،قراردادهای نفتی که بدست شاه‌خائن بسته‌شده‌هنوزبقوت خودباقی است! هیئت حاکمه نه‌تنهااین قراردادها را همچنان حفظ کرده،بلکه‌حتی حاضرنشده برای مردم توضیح دهدکه این قراردادها چیست؟

مبارزه قاطع علیه‌امپریالیسم رسالتی است که‌فقط وفقط، زحمتکشان برهبری طبقه کارگرآنرابانجام میرسانند،تاقطع کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی ونظامی به‌امپریالیستها، بخصوص امپریالیسم آمریکامبارزه راادامه دهیم!■

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اراک ـ آیا اینست مبارزهٔ ضد امپریالیستی؟

درپنجمین روزتحصن واشغال استانداری توسط فارغ التحصیلان بیکار وکارگران اخراجی کارخانجات صنعتی آلیاژ (*)، سپاه پاسداران خواست حق بیکاران را که کارشرافتمندانه بوده، بشیوهٔ آریامهری سرکوب نمودند. آنان شعار بحق بیکاران را که می‌گفتند: "بیکاری عامل هرفساداست" برای مبارزهٔ ضدامپریالیستی بابدکار سازشده کرد" را به بهانهٔ شرایط "حساس" مملکت و "پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم" لکدمال کرده ونشان دادندکه چطوردرپوشش کلمات وعبارات "مبارزه با امپریالیسم" وحساسیت موقعیت، حرکت و خواست حق طلبانه مردم را سرکوب میکنند.

کارگران اخراجی خواستار بازگشت به سر کارخویش بودند. آنان میگفتندکه سرمایه‌دار زالوصفت که درگرمای تابستان از ما بهره‌کشی کرده است چه حق داردکه اینک به بهانه "حجم کم کار" ما را بیکار ساخته وسرزمستانی ما وخانواده ما را با خطرگرسنگی وبیکاری تنها گذارد.

جواب مسئولین رژیم کنونی تهمت چماق و بازداشت بود. آنان با این جواب خودعملشان دادندکه سنگ مستضعف وپابرهنه را چه فریبکارانه به سینه می زنند.

آقای موسوی "دادستان انقلاب اسلامی اراک درمقابله کارگران اخراجی کارخانه آلیاژ با کارفرمای زالوصفت بنفع سرمایه‌دار رای داده وماهیت واقعی خودرا نشان داده وبعددراعلامیه سراپا فریبکارانه‌ای پیش پای دیپلمه‌ها وکارگران بیکار گذاشت که مثل گذشته ازوعده وعیدبافراترنگذاشت. او (آقای موسوی) دراعلامیه کذائی اش گفته است که بیکاران می‌توانند درقبال کارآموزی، مجردها ماهی ۳۰۰ تومان ومتاهلها ۶۰۰ تومان مزدبگیرند.

ولی این مفتخوارکه حرفهایش ازجای گرمی بلندمیشودابترا نمیداندونمی فهمدکه با این مقدارناچیزکه کرایه خانه‌را کفایت نمیکندودر حالیکه مخارج زندگی روزبروزبالامیرودچطور می شود زندگی کرد.

اومیخواست با این پیشنهاد غیرقابل قبولش(که کاری برای بیکاران ایجادنمیشود) زمینه‌را برای حمله وسرکوب کارگران ودیپلمه‌های بیکار فراهم سازدوبرای اجرای این عمل وقیحانه وبیشرمانه ازهیچ اقدامی فروگذار نکرد. اوفریبکارانه میخواست مردم زحمتکش ما را مجبوربه حمله وسرکوب دیپلمه‌ها وکارگران بکندولی دیگرخلق زحمتکش ورنجدیده ما دراین مدت ۱۰ ماه خوب فهمیده‌اندکه منافع هیئت حاکمه ضدکارگروضدانقلابی جدای ازمنافع زحمتکشان است وبهمین دلایل است که آقای موسوی دراقدام خودپیروزنشده وبلکه بیشتر مفتضح وبی آبرومیشودومردم زحمتکش اراک با حمایت وجانبداری ازفرزندان زحمتکش ومتحصن خوددراستانداری نقشه شوم "دادستان انقلاب" را نقش برآب میسازند.

ولی جناب موسوی وقتی ازاین طریق حنای خودرا نیرنگ می بیندساعت ۱۲ نیمه‌شب یکشنبه مامورین مسلح خودرا برای سرکوب بیکاران متحصن اعزام میداردوبدین ترتیب پاسداران مسلح با همراهی وکمک چماق‌بدستان ولاتهای شهربجمع بیکاران حمله‌کرده وبطرز وحشیانه‌ای با چماق وقنداق تفنگ بجان فرزندان زحمتکش این شهرمی افتندودراین حمله ازهیچ وحشیگری که شایعات زیادی به‌یورش و حمله چماق بدستان آریامهری داشت فروگذار نمیکنندوبعدازاین عمل ناجوانمردانه شعاردی ازکارگران ودیپلمه‌ها را نیزگرفته‌و ودر کمیته به بند می کنند.

صبح روزیکشنبه دیپلمه‌ها وکارگرانی که توانسته‌بودنداز حمله‌مهاجمان جان سالم بدر برندبه‌همراهی سایرمردم زحمتکش اراک ازجلو استانداری شروع به‌راهپیمائی درسطح شهر کرده‌وضمن افشاومحکوم‌کردن حمله چماق‌بدستان خواهان آزادی دستگیرشدگان میشوندکه در جلوی مدارس موردپشتیبانی دانش آموزان قرارمیگیرند. میرجعفری عضوشورای شهرو سرهنگ خلج رئیس شهربانی درجلوکمیته مستقر درشهربانی به‌راهپیمایان میگوید که متفرق شویدواگرچماق بدستان به‌شما حمله‌کردند ما مسئولیت هیچ اتفاقی را بعهده‌نداریم که‌به مدت کمی بعدازاین "اخطار" عده‌ای چماق به‌دست مزدوروابش شهربرهبری رعنائی (بازاری مفتخوار) که عده‌ای ازمردم‌ناآگاه را نیزدرجمع خودداشتندبا چوب وآهن پاره و تیشی وزنجیر... بجمع راهپیمایان حمله می‌کنندوبدین ترتیب معلوم میشودکه حمله چماق بدستان نیزبانقشه‌ای ازپیش طرح شده‌توسط مسئولین شهروبرهبری "دادستان انقلاب اسلامی" اراک وباهمکاری شهربانی و... انجام گرفته است.

(بنقل از اعلامیه مورخ ۵۸/۹/۱۹ "هسته اراک" وابسته‌به سازمان پیکاردرراه‌آزادی طبقه کارگر)

آخرین خبرحاکیست که‌دراثرفشارافکار عمومی مردم شهروتلاشهای شوراهای کارگری چندکارخانه، مسئولین شهربناگزیرروزدوشنبه (۵۸/۹/۱۹) ۱۵ نفر ازدستگیرشدگان را آزاد کردند. درضمن شورای کارگری چندکارخانه اراک طی نشست مشترکی تصمیم گرفتندکه‌تمام کارگران اخراجی بسرکارقبلی خودبرگردند.

لازم بتذکراست که‌کارگران اخراجی آلیاژ یکباردیگرپس ازاخراج با تحصن دردفترشرکت بسرکارخودبازگشته‌بودندولی با زد و بند کارفرما با موسوی (دادستان انقلاب اسلامی) دوباره اخراج شده‌بودند! ■

(*)ـ درخلال تحصن این کارگران، شوراهای کارخانهٔ آلیاژوچندکارخانهٔ دیگراز کارگران متحصن پشتیبانی کردند وکارگران اخراجی نیز با فرستادن اطلاعیه‌هائی شوراهای دیگر کارخانه‌ها را درجریان مبارزات خود قرار دادند.

اعتصاب درشرکت "پرسیزیون" ـ مسجد سلیمان ـ

شرکت پرسیزیون یک شرکت پیمانکاری ساختمانی است که‌غالباً کارهای نظامی را به عهده‌گرفته‌وبرای ارتش کارمیکند. این شرکت قبل ازقیام تعطیل شدومسئولان آن بخارج فرار نمودند.

بعدازقیام، کارگران کوشش خودرا برای برگشت به‌سرکارو کرفتن حقوق عقب مانده خود آغازکردند. ولی بعلت عدم‌تشکل وفقدان تشکیلات واقعی نتوانستندشرکت را خودشان راه‌اندازاخته‌وادارهٔ آنرا بدست گیرند.

کارگران پس ازمدتها مبارزه‌وراه‌پیمائی توانستندحقوق عقب مانده خودرا تا نیمه فروردین ماه بگیرند. شرکت پس ازپرداخت قسمتی ازحقوق عقب مانده کارگران، آنها را که‌حدود ۴۰۰۰ نفرهستندا خراج شده بحساب آورده‌و ودوباره‌دست به‌استخدام کارگرمی زندتا بتواندا ولا با دستمزدکمتری آنها را مورد استثمارقرارداده‌ودوم اینکه‌سابقه‌کارگران از بین برودودرآینده‌هروقت بخواهد، بتواند براحتی آنها را بیرون کند.

کارگران بدلیل نداشتن تشکل و همبستگی نمی توانندبرای مرحلهٔ شرکت ایستادگی کنند. اینست که‌تن به‌استخدام مجدد داده‌وبتدریج به‌استخدام شرکت در می آیند. تابحال حدود ۱۷۰۰ نفراستخدام شده‌اندولی بقیه‌کارگران هنوزبیکارند.

شرکت با سوءاستفاده‌ازعدم‌تشکل کارگران وخیل عظیم‌بیکاران، آنها را با حقوق خیلی کمتراز پیش ازقیام استخدام می نماید. ازحدود یکماه‌پیش کارگران آگاه شرکت خواستهای خود را تنظیم کرده‌وآنها را ازمسئولان شرکت می خواهند. ولی مسئولان شرکت پس ازمدتی وعده ووعیدبا خواستهای کارگران بدون جواب می گذارند، تا اینکه‌کارگران ازروز شنبه (۵۸/۹/۱۷) دست به‌اعتصاب میزنند. کارگران اعلام نموده‌اندکه‌تا برآورده‌شدن خواستهایشان اعتصابشان راادامه‌خواهندداد. مسئولان شرکت وقتی با حرکت مصممانه‌کارگران روبرو می شوند، با شهران تماس گرفته‌وازکارگران می خواهندنمایندگان خودرا برای مذاکره به شهران بفرستند. درضمن ازکارگران برای رسیدگی بخواستهایشان ۱۰ روزمهلت میخواهند. کارگران روزدوشنبه ۹/۱۹/ ۴ نماینده به شهران فرستادند.

بعضی ازخواستهای کارگران مذکور عبارت است از:

۱ ـ تشکیل شوراهای واقعی درسطح کارگاه‌های شرکت.

۲ ـ چهل ساعت کار درهفته‌وتعطیل رسمی روز پنجشنبه.

۳ ـ آقای دهقان، یا هرشخص غیرمسئول دیگری حق‌هیچگونه‌دخالت درامورکارگاهها را ندارد.

◄

کارگران برای کم‌کردن شدت استثمارخواهان نظارت وکنترل برمدیریت کارخانه میباشند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

۴ ـ پرداخت حقوق از فروردین ماه ۵۸ به تمامی کارگران که در این شرکت شاغل بودند.

۵ ـ اعلام شود که شرکت پرسرپرستی ملی (دولتی) است یا نه

۶ ـ وسایل ایمنی بطور کامل به کارگران داده شود

۷ ـ سابقه خدمت کاری که از چند سال گذشته بلا تکلیف شده طبق شرکت های دیگر داده شود.

۸ ـ کرایه خانه برای افراد متاهل ۱۲۰۰۰ ریال و برای افراد مجرد ۹۰۰۰ ریال پرداخت شود .....

کارگران تنها از طریق ایجاد تشکیلات واقعی خود و متشکل شدن در حول آن میتوانند به خواستهای برحق خود برسند. ■

در حضور سه هزار نفر از کارگران و کارمندان "چوکا" استاندار گیلان استیضاح شد!

از چندی پیش "صدر" مدیرعامل کارخانه چوکا (۱) با همکاری دارودسته خود که اکثراً بعد از انقلاب برای "تبرئه" از امر انقلاب و خدمت به مستضعفان!! از آمریکا باز گشته اند بر علیه شورای کارگران کارخانه که منتخب واقعی کارگران میباشد شروع به دسیسه چینی و پهمپ ـ پمپی نمودند. این جریان بخصوص بعد از مصاحبه آیت الله اشراقی نماینده رسمی امام به کارخانه (شرح کامل آن در شماره ۲۵ آمده است) بدست بیشتری گرفت و مدیرعامل با هرگونه بهانه دستاویز اخلال در مسائل رفاهی کارگران و حتی در امر تولید و مدیریت کارخانه مخالفت می ـ نمود. اختلافات شورا با مدیرعامل بدنبال استقرار استاندار مصلح (سروان ویژه) در کارخانه که مورد مخالفت شدید شورا و کارگران قرار گرفت، و اطلاع اساسنامه مصوبه دولت در مورد شورا، باعث خودرسی و مدیرعامل با تکیه بر اساسنامه مصوبه دولت و حمایت "فرمانبر" دادستان انقلاب بندرانزلی و طوالش موقعیت را مغتنم شمرد و طی صورتجلسه ای در حضور استاندار گیلان با اعضا استاندار، رئیس و دادستان دادگاه انقلاب، شورای کارگران را با وارد کردن یکسری اتهامات واهی در مورد اینکه چرا شورا بطور اساسنامه های دولتی!! را (که تماماً مربوط به رژیم گذشته بود) نقض کرده محل اعلام نمود. این موضوع مورد مخالفت شدید بسیاری از کارگران قرار گرفت و کارگران قسمتهای مختلف از شورا خواستند که راه پیمائی اعتراضی سازمان داده شود ولی بدلیل وجود عناصر مرتجع و سازشکار در شورا با همه تلاش عده ای از اعضا شورا، این درخواست کارگران بتصویب اکثریت اعضا نرسید.

توطئه های مدیرعامل و مدیریت مجتمع با همکاری دادستانی انقلاب ادامه یافت تا آنجا که یکی از اعضای شورا دستگیر شد ولی بعداً با پافشاری عده ای از اعضای شورا آزاد گردید.

عناصر فرصت طلب وابسته به مدیرعامل با حمایت و همکاری اکثریت اعضا انجمن اسلامی در تمام این مدت با مغشوش نمودن ذهن کارگران و اینکه در شورا افراد چپی نفوذ کرده ـ اند سعی در تحریک کارگران بر علیه شورا نمو ـ دند که بعلت معلوم بودن ماهیت این افراد تبلیغاتشان موثر واقع نشد. شورای کارگران جهت افشای اعمال ضد کارگری مدیرعامل، استاندار و دادگاه انقلاب، اقدام به برگزاری مجمع عمومی نمود و تاریخ تشکیل آن را (روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹) به چهار مقام امضا کننده صورتجلسه ابلاغ کرد. این تصمیم با استقبال شدید کارگران مواجه گردید و در روز دوشنبه بیش از سه هزار کارگر و کارمند در محوطه کارخانه جمع شدند و شعارهای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" و "پیروز باد حاکمیت شورا ها تحلیل کاه اتحاد کار ـ گران" را روی دستها بلند کردند.

مدیرعامل و افراد وابسته اش سعی نمودند که شرکت در این اجتماع را تحریم نمایند و با تلفنهای مکرر مانع از شرکت استاندار در جلسه شوند ولی با فشاری کارگران آنها را وادار به شرکت در جلسه نمود. جلسه با سامی از اتحادیه شراسری شورا های انقلابی اسلامی کارگران شرکتهای تابع وابسته به سازمان یکسرش و سو ـ ساری صنایع ایران شروع شد و بعد از آن یکی از کارگران مبارز عضو شورا طی سخنان کوبنده خود مقامات مذکور از جمله مدیرعامل را با استیضاح کشید. نماینده کارگران از استاندار خواست توضیح دهد چه دلیل شورای منتخب کارگران را خود سرانه منحل نموده است. از دادستان و رئیس دادگاه درخواست نمود دیرای کارگران توضیح دهد چرا بدون دلیل و مجوز اقدام به برداشت وی نموده است. از وارد مدیرعامل خواست علت دشمنی خود را با شورا به کارگران بگوید. وی همچنین اقدامات مدیرعامل را در استقرار نیروی مسلح در کارخانه و استخدام قوم و خویش های خود و ایجاد تفرقه بین کارگران افشا نمود. جمعیت فریاد زدند "درود بر کارگر مبارز" بعد از او پیام اتحادیه فارغ التحصیلان بیکار شعبه رضوانشهر خوانده شد. سپس استاندار به داوران ـ شروع به صحبت نمود. آقای استاندار بجای پاسخ به سئوالات کارگر مبارز، سابقه "مبارزاتی" خود را برای کارگران تعریف کرد و اینکه چقدر کار میکند و سرش شلوغ است. او سخنان خود را با نحوه توزیع نابود روغن نباتی و سایر خدمات استانداری بپایان رساند و در خاتمه نیز اندکی از بیجارگی مردم فقیرنشین شهر رشت صحبت کرد تا جلسه را متاثر نماید.

بعد از استاندار یکی دیگر از اعضاء شورا شیوه برخورد استاندار را در پاسخ به مسائل کارگران افشا نمود و برای حاضرین در جلسه توضیح داد که چرا استاندار و مدیرعامل از دادن جواب صریح خودداری میکنند و با اشاره به اساسنامه مصوبه دولت در مورد شورا اظهار داشت که این اساسنامه با سخنگوی یک تنها و واقعی شورا نبوده و مورد قبول ما نیست و ما اساسنامه تنظیمی اتحادیه سراسری خود را قبول داریم و گفت شورا ها باید در مدیریت مشارکت داشته باشند و مدیران را در صورت تخلف عزل نمایند. استاندار در این موقع وارد صحبت شد و گفت دخالت شورا ها در مدیریت را قبول ندارد و اینکه تنها به همراه مدیرعامل و دارودسته اش جلسه را ترک نمود. کارگران فریاد میزدند که مدیرعامل باید پاسخ بدهد.

در پایان جلسه کارگران ضمن محکوم کردن این عمل استاندار و مدیریت با صدور قطعنامه ای به جلسه خود پایان دادند. در این جلسه کارگران به ماهیت استاندار و مدیرعامل بیشتر پی بردند و همگی از این صحبت میکردند که استاندار نمیتواند کوچکترین پاسخی به نیازهای آنها بدهد.

"پیروز باد دستهای متحد کارگران!"

(۱)ـ چوکا، صنایع چوب و کاغذ ایران

بقیه از صفحه ۱۲

رشته های ...

توده های زحمتکش دارای هیچگونه تشکل و سازـ ماندهی مبارزاتی که بتواند مبارزاتشان را ابعاد وسیعتری بخشد، نبودند لیکن با وجود این توانستند با دفاع قهرمانانه خود رژیم شاه را بعقب بنشانند. توده های مردم در جریان مبارزات خودبخودی بودکه پی به قدرت متشکل و متحد خود می بردند و در می یافتند که چه نیروئی در قدرت متشکل توده ها وجود دارد. لازم است در اینجا اشاره کنیم، که در آنزمان هیچکدام از رهبران مذهبی نظیر آیت الله خمینی و نزدیکان وی و هیچ یک از مدعیان امروزی انقلابی ـ گری در این حرکت توده ای شرکت نداشتند. چرا که حرکت فعال آنها بر علیه شاه بدنبال حرکات بازاری ها و طلاب قم یعنی از حدود زمستان سال ۵۶ شروع شد. در این زمان تنها نیروهای انقلابی چپ بودند که از مبارزات این زحمتکشان پشتیبانی میکردند و در حدی که می توانستند به آنان رهنمود می دادند، بهمین دلیل است که امروز حتی در تعیین زمان شروع انقلاب اخیر ایران و آغاز حرکت توده ای و اوجگیری و مراحل مختلف آن نیز بین کمو ـ نیستها و رهبران مذهبی و روشنفکران خرده ـ بورژوازی سنتی اختلاف وجود دارد.

کمونیستها سرآغاز اعتلای انقلابی و اوج گیری حرکت توده ای را مبارزات صدها هزار نفر از زحمتکشان خارج محدوده در اواخر بهار و تابستان سال ۵۶ میدانند و روحانیون و روشنفکران خرده بورژوازی مرفه سنتی آغاز حرکت توده ای را از زمان چاپ مقاله ای بر علیه آیت الله خمینی در روزنامه اطلاعات و به دنبال آن شورش طلاب و مردم مبارز قم در زمستان سال ۵۶ می دانند.

ادامه دارد ...

نان، مسکن، آزادی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنبش ملی

وظایف نیروهای م-ل و انقلابی درکردستان

"کمیته‌کردستان" سازمان اخیرا جزوه‌ای بنام "چرا شورش؟ چرا سازش؟" منتشرکرده که در آن راجع به‌وضع سیاسی کردستان، دلایل پیشرونودن جنبش کردستان، علت شورش رژیم حاکم به‌کردستان ونتایج این شورش، وهمین‌طوردلیل عقب‌نشینی رژیم ومذاکره وسازش او ووظایف نیروهای م-ل وانقلابی درکردستان را موردبحث قرارداده است. ما دراینجا قسمت (عمده) آخراین جزوه را تحت عنوان "وظایف نیروهای م-ل وانقلابی دراین شرایط" می‌آوریم:

"همانطورکه [illegible] دردوران اعتلای نوینی گردیده است وبا توجه [illegible] همگون وناهماهنگ انقلاب وبالا بودن سطح مبا[illegible] تاحدمبارزه مسلحانه و ازانجاکه [illegible] مبارزه‌توده‌های زحمتکش خلق کرد نمی‌تواندخودرا در [illegible] مبارزات خلقهای ستمدیده جاهای دیگر ایران [illegible] کند. اعتلای انقلابی بالای جنبش کردستان نسبت به سایرنقاط ایران وهمچنین پیوندناگسستنی بین این مبارزات با مبارزات ضدامپریالیستی ودموکراتیک کل خلقهای ایران وظایف اساسی وویژه‌ای امروزه درمقابل نیروهای انقلابی م-ل قرارمیدهد، که‌بطورخلاصه میتوان گفت:

۱- تابع نمودن مبارزه ملی خلق کرد با مبارزه طبقاتی (مسئله ارضی بطورمشخص دراینجا). بدین صورت که‌بایدبتوانیم هرچه بیشترووسیعترتوده‌های زحمتکش دهقانی را بروی منافع وخواستهای طبقاتیشان (خواست زمین بطورعمده) بسیج نمودواجازه داده نشودکه‌زمینداران وبورژوازی زیرماسک مسئله ملی به‌اهداف استثمارگرانه وقدرت طلبانه خود دست یابند. بایسیج وسیعترین نیروهای زحمتکش [illegible] جهت کسب حقوق طبقاتی وملی [illegible] تداوم انقلاب ومقابله با [illegible] وتسلیم‌طلبی خواهدبود.

۲- شرکت فعال دربوجودآوردن وشرکت درتشکل های حاکمیت توده ای ازقبیل شوراهای شهروروستا واتحادیه‌های دهقانی که با اتکاء به‌نیروهای مسلح پیشمرگه‌وتوده‌های مسلح دهقانان بعنوان ارگانهای حاکمیت توده‌وبانظم انقلابی خودشان استوارمیگردد.

۳- پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گروپیروزی جنبش انقلابی درسراسرایران است. ازاینرولازم است که‌درجهت تحکیم‌پیوند و

بقیه‌درصفحه ۱۲

گزارشی از بلوچستان (۲)

اوضاع منطقه‌وشرایط پس ازقیام

همچنان که‌پیش ازاین بیان شدبرانسر هجوم امپریالیسم وعدم‌رشداقتصادی، منطقه بلوچستان ازنظراقتصادی عقب‌مانده بوده ومتکی بخودنیست. دراین میان کمترین فعالیت صنعتی وراه‌سازی درمنطقه که‌درارتباط با هدفها وسیاستهای امپریالیسم آمریکا صورت می‌گرفت (پادگانهای خاش وچاه‌بهار وراههای سرو) توانسته‌بودازمهاجرت مردم منطقه به خارج ازآن بکاهدوحتی نیروهائی راکه بیش از این درامرکشاورزی کوچک صرف میشد، بصورت کارگرساختمانی بکارگیرند. اما باوجودکلیه مبارزات اخیرمردم ایران که‌منجربه‌تعطیل شدن غالب کارگاههای ساختمانی و معوق ماندن پروژه‌های بزرگ شد، گرچه‌برای مدتی کارگاههای منطقه‌همچنان مشغول بکارماندند اما بدلیل نرسیدن مواداولیه‌واساسا متخصص غیربومی ازکاردرکارگاههای منطقه پس ازمدتی تعطیل گشته‌است. بموجب این کارگاهها که‌قریب ۲۰ هزارکارگررادرخود جمع کرده‌بودندمثلا ازکارگاه‌محک (پایگاه نیروی هوائی چاه‌بهار)، سراوان اند روبر (پایگاه‌نیروی دریائی چاه‌بهار) اسکاپا - لیتوس (راه‌راهدان نیرجند)، سکامی‌راه راهدان - کرمان او... راتام برد.

بیکاری این کارگران بومی که به پایگاهی مادی درسپاریوبه‌پایگاه‌اقتصادی در روستاداشتند، بلافاصله پس ازقیام بصورت مسئله‌حیاتی این منطقه‌درآمد. باکوتاه شدن دوران سربازی ومعاف شدن بسیاری ازدیپلمه‌ها ودستورعدم استخدام افرادجدیددرادارات وموسسات دولتی بیکاری درمنطقه‌ابعادوسیع‌تری یافت که‌موجب شکل گیری ورشدحرکات اعتراضی ومبارزاتی مردم بصورت تظاهرات وتحصن ها گردید. ازتظاهرات وتحصن هائی که دراین زمینه‌ماهدصورت گرفته‌است میتوان از مبارزات کارگران بیکارشده‌شرکت "ماسا" درزاهدان درتاریخ اسفندماه ۵۷، تظاهرات کارگران بیکارپادگان نیروی دریائی چاه‌بهار، تحصن کارگران بیکارراهدان درمحل استانداری دراوایل اردیبهشت همین سال به مدت یکهفته، تحصن دیپلمه‌های بیکار در استانداری وآموزش وپرورش (زاهدان) راه‌پیمائی کارگران بیکارشرکت فنوح درایران - شهروتحصن آنها درتاریخ ۵۸/۲/۸ وتحصن کارگران سرجنگلداری درزاهدان درمحل اداره‌راه درتاریخ ۵۸/۱/۶ راتام‌برد. گرچه‌محرک اصلی این تظاهرات وتحصن ها فشارشدیداقتصادی بوده‌است، اما بایدفعالیت نیروهای مترقی و چپ رانیز خاطرنشان نمود. البته در رابطه‌با توسعه‌بیکاری درمنطقه میتوان از فعالیت نیروهای مرتجع محلی وبخصوص خوانین نیزدراینجا دراهزنی ها ودزدیهای سرگردنه‌یاد

بقیه‌درصفحه ۱۲

سازمانهای انقلابی به‌تعهدهای خودمومن هستند

اطلاعیه

ساعت یک بعدازظهر ۵۸/۹/۲۱ یک فروند هلیکوپتردرپاسگاه (گاوشان) بین کامیاران وسنندج بعلت نقص فنی مجبوربه فرود شد. پیشمرگان کومه‌له بنا به‌وظیفه‌خودمبنی بر هوشیاری انقلابی بطرف (گاوشان) عزیمت کردند. دراین اثناء دومین هلیکوپتر براثر بدی هوادرهمان منطقه‌مجبوربه‌فرودشد. در نتیجه‌پیشمرگان اعزامی کومه‌له‌سرنشینان هر دوهلیکوپتررا توأماً به‌کامیاران راهنمائی کردند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) بدلیل تعهداتی که‌درمورد رعایت آتش بس بعهده‌گرفته‌است، سرنشینان مزبوررا ساعت هشت ونیم آزادکرده‌ودرساعت دوازده‌امروز ۵۸/۹/۲۲ آمادگی خودبرای تحویل هلیکوپترها به‌ارتش اعلام داشتند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)

۵۸/۹/۲۲

انقلابیون باسدارمنافع خلقند

مردم مبارز سنندج

بدین وسیله‌به‌اطلاع همشهریان مبارز می‌رساندکه‌درشبهای سه‌شنبه ۵۸/۹/۲۰ وچهارشنبه ۵۸/۹/۲۱ پیشمرگان (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه‌له) درجریان تعقیب راهزنان که‌دراین مدت وحشیانه مزاحم مسافرین شده‌واقدام بغارت اموال مردم نموده‌اندچهارنفربه‌اسامی باقرغریبی، سعید غریبی، صالح اسماعیلی واحمدکرمی دستگیر ودراختیارپیشمرگان این سازمان میباشند.

ضمناً مقداری وسائل سرقت شده همراه با یک ماشین حیب لندروربدون شماره‌ویک کیلوتریاک ازآنها بدست آمده. ازکسانیکه دراین مدت اموال شان بسرقت رفته دعوت میشودکه‌به‌مقرکومه‌له‌درسنندج مراجعه‌نموده تاضمن شناسائی درموردا ستردادا موال شان اقدام گردد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

کومه‌له

۵۸/۹/۲۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنبش دهقانی

دهقانان روانسر کردستان : برادران دهقان متحد شویم

" آنچه میخوانید فقط سرگذشت مختصری از زندگی ما دهقانان روانسر است . همه ما می‌دانیم در سال ۴۱ و ۴۲ قانون اصلاحات ارضی شامل حال زمینهای سلطان آباد شد و مقرر کردند با این زمینها میان ما دهقانان تقسیم شود . و همه ما میدانیم که فقط این زمینها را از ما گرفتند و هنوز حکیانی را که زمین قطعهای داده شده است در دست داریم . اما همه دیدیم که زمینها به ما زمین ندادند بلکه زمین‌های خودمان را هم از دست دادیم . همه ما شاهد بودیم که آقایان از دلال خطوط سرما را کلاه گذاشته و خطوط آن عده را بحاضی را که برای خود و خودشان دفعالیت کردند . (دروس حسن فتحی . خلیفه احمد محمدی . علی اکبر وسی . علی محمد احمدی . کدخدا محمد ولی کرباسی) با آنکه به راندارمری و بعود در شکاد دولتی بدزدان اندا حسد و سرکوبشان کردند . ما فراموش نخواهیم کرد که همین دو برادر با سرکوفا بدهها بقرار دهقانان را وارد سپرها کرده اند و زمینهای آنان بسیاری غصب نموده اند."

در اینجا اعلامیه ضمن آوردن اسامی عده ای از دهقانان ، وضع فعلی آنها را نشان داده و ظلم و تشکدای که جانها و فئودالها در حق آنان کرده اند اشاره نموده است . در پایان اعلامیه می خوانیم :

"ما از برادران بی زمین می خواهیم که هر جا و در هر کجا دهقانان جمع شوند تا بتوانیم همگی با هم برای بدست آوردن زمین ـ هائی که مال خود ماست و آنها را غصب کرده فکری کنیم . و راه چاره ای بیابیم . اگر ما متحد شویم ، اگر دست در دست همدیگر بگذاریم . اگر به همدیگر اعتماد داشته باشیم ، همه چیز بدست خواهیم آورد اما اگر نتوانیم متحد شویم همه چیزمان همه سعادت خواهد رفت و غرورمان در مقابل نیروهای غارتگر همیشه خرد خواهد شد . برادران ، زمین مال دهقانان است . کردستان مال ماست و صاحب اصلی آن ما هستیم . پس برای بدست گرفتن زمین و آباد کردن کردستان تنها راه ما اتحاد ماست . و بدانید که هیچ نیرویی نمی‌تواند در مقابل اتحاد ما مقاومت کند .

از طرف عده ای از دهقانان
روانسر

شورانقلابی ضد فئودالی عشایر (فارس) را فرا گرفته است

ما در زیر گزارشی از مبارزات دهقانان منطقه فارس را نقل میکنیم . این مبارزات ضمن وضعیت زندگی توده های زحمتکش عشایر را نیز روشن ساخته و اطلاعاتی هر چند جزئی در بررسی ماهیت نیروهای این مناطق بدست میدهد :

■ داراب

اهالی چند تن روستای داراب از جمله جمعی کوه بفیدو ... اقدام بتصرف زمینهای فئودالهای منطقه نموده اند . دهقانان در تمام موارد با سپاه پاسداران که در مقام مدافع منافع فئودالها عمل میکنند ، روبرو میشوند . ولی از آنجا که زمین بارجانی هر دهقانی است . آنان جهت حفظ زمین ناچار را درگیری با پاسداران بوده و در این میان همواره دهقانان پیروزند .

ما در زیر گزارشی از مبارزات دهقانان روستای جمعی و اطلاعیه ای را که به همین مناسبت تدارک دیده اند بنقل از ضمیمه محلی پیکار ۳۳ (کمیته خوزستان) می آوریم :

برنوا شیرباد خروس انقلابی ...

در تاریخ ۵۸/۸/۲۶ خوش نشینهای ده جمعی داراب طی یک حرکت انقلابی زمینهای مالکان آن ده را ضبط کرده و بین خود تقسیم کردند . (محدودیت زمینها معلوم نیست . چون این زمینها بطور پراکنده در اطراف ده جمعی قرار گرفته اند) .

مالکان مزبور در بیشتر نقاط اطراف داراب دارای زمینهای زیادی میباشند .

در تاریخ ۵۸/۸/۲۷ مالکان به اتفاق افراد کمیته و فرمانداری و عده ای پاسدار به آنجا رفته و خوش نشینها را مورد فحاشی قرار داده و میگویند شما هیچ حقی روی زمینها ندارید . کدخدای منطقه نیز (که شخصی است جیره ـ خوار) با مالکان همدست شده ، افراد کمیته را بر ضد مردم جمعی تحریک میکند و میگوید اینها ضد انقلابیند و میخواهند اخلالگری کنند . خوش ـ نشینها میگویند ما اگر زمین را از دست بدهیم چیزی نداریم و گرسنه خواهیم ماند . و با دادن

بقیه در صفحه ۱۴

تظاهرات زحمتکشان روستای "گو بوم"

(نقل از ضمیمه محلی پیکار ۳۲ "کمیته خوزستان") :

زحمتکشان روستای گوبوم روز پنجشنبه ۵۸/۹/۹ جلو دادگاه انقلاب اسلامی شیراز دست به تظاهرات زدند . علت این تظاهرات اعتراض به آزادی مالک سرشیر ده این روستا به اسم "فتحعلی خان گوبومی" بوده است .

فتحعلی خان گوبومی یکی از مزدوران و مالکان بزرگ روستای گوبوم (واقع در ۲۰ کیلو ـ متری شیراز ـ جاده اردکان) است که بعد از قیام توسط مردم روستا دستگیر و تحویل سپاه پاسداران میگردد ولیکن بعد از مدتی فتحعلی ـ خان آزاد میشود . روستائیان گوبوم بعد از اطلاع از خبر آن دست به تظاهرات زده و اکثر آنها راهی شیراز می شوند . در شیراز جلو ایستگاه پاسداری تجمع کرده و خواستار دستگیری مجدد فتحعلی خان میشوند . فشار مردم باعث میگردد که ایستگاه پاسداری قول دستگیری وی را بدهد . بعد مردم خبر دارند میشوند که فتحعلی خان قصد مسافرت و فرار به خارج از کشور را دارد . در اثر کوشش عده ای از جوانان روستا فتحعلی خان یک ساعت قبل از پرواز در فرودگاه شیراز دو ـ باره دستگیر میشود . شب ساعت ۸ آذرماه که مردم مشغول عزاداری بودند با کمال تعجب خبر دار میشوند که فتحعلی خان دوباره آزاد شده است . مردم خشمناک صبح روز پنجشنبه با مشی ـ بوس و یاری و سواری می آیند شیراز و همگی جلو خانه آیت الله دستغیب شروع به تظاهرات می ـ کنند . آیت الله دستغیب میگویند که ایشان از آزادی فتحعلی خان خبر ندارند و آقای "مارندرانی" حکم آزادی وی را صادر کرده است . حدود ساعت ۶ عصر مردم در حالیکه شعار "مرگ بر مارندرانی" را میدادند جلو دادگاه انقلاب جمع میشوند . مردم فریاد میزدند "فتحعلی خان باید اعدام باید گردد" ، "مرگ بر ساواکی" ، "مرگ بر مارندرانی" .

مسئولان دادگاه ابتدا سعی میکردند با تمسک به روزهای عزاداری مردم را متفرق کنند و در میان جمعیت یک نفر با بلندگو داد میزد که مردم مواظب باشید آدم غریبه توی میان نباشد و بعد شروع میکرد به حسین ، حسین گفتن . اما مردم یکصدا فریاد مرگ بر مارندرانی سر میدادند و بالاخره مسئولان دادگاه گفتند که باید مردم بروند سپاه پاسداران و از آنجا حکم جلب فتحعلی را بگیرند و با این حیله مردم را به سپاه پاسداران پاس دادند مردم سوار ماشین ـ ها شده و در حالیکه باران میبارید راهی سپاه پاسداران میشوند . مردم از میان خود عده ای را بعنوان نماینده انتخاب میکنند و با پاسد ـ اران وارد مذاکره میشوند و عاقبت با قول گرفتن از سپاه پاسداران مبنی بر دستگیری فتحعلی ـ خان ، مردم به روستای خود برمیگردند . در تظاهرات جلو دادگاه انقلاب با چند نفر از اهالی زحمتکش گوبوم گفتگو کرده ایم که در زیر می ـ خوانید :

بقیه در صفحه ۱۴

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ارتجاع مراسم ۱۶ آذر را در محمودآباد، بابلسر، آمل و بابل بخاک وخون کشید

بدعوت "کمیته مشترک دانش آموزان انقلابی محمودآباد" (دانش آموزان پیشگام و هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)، جهت گرامیداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو تظاهراتی از ساعت ۹/۳۰ روز جمعه ۵۸/۹/۱۶، مقابل مدرسه دکتر شریعتی - محمودآباد آغاز گردید در این راهپیمائی قریب به هزار نفر شرکت کرده بودند. راهپیمایان با شعارهای "کارگر، دهقان، پیشه ور، دانشجو پیروز است" "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما"، "نه سازش نه تسلیم، متحد، مسلح، نبرد با آمریکا" "کار برای کارگر، زمین برای برزگر"، "خلقها می رزمند، امپریالیسم می لرزد"، و... مسیر راه پیمائی را می پیمودند. زمانیکه راهپیمایان به مسیر اصلی خیابان آمل رسیدند عده ای عناصر مرتجع و ناآگاه، مسلح به چوب و چماق و اسلحه گرم (این عده با دومینی بوس برهبری آخوندی مرتجع از فریدونکنار آمده بودند) مسیر راه پیمایان را سد میکنند. راهپیمایان با شعارهای کوبنده ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع داخلی بقصد ورود بمرکز شهر با صفوف فشرده آماده حرکت میشوند. درهمین حال عده ای از بازاریان و پیشه وران محمودآباد بقصد وساطت با دو گروه وارد مذاکره میشوند. اما راهپیمایان با اراده واحد و مصمم سعی در عبور از مانع میکنند (در مدتیکه راهپیمایان بخاطر مانع از حرکت باز ایستاده بودند با خواندن مقالاتی توسط عده ای از رفقا با افشا مواضع ارتجاع و امپریالیسم لزوم وحدت و بهم فشردگی صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی و توده های زحمتکش، راهپیمائی را به میتینگ مبدل ساختند) اراذل و اوباش مرتجع با بالاپائین آوردن چوب و چماق اسلحه های پوزی وژ- ۳ مقدمات حمله را آغاز کرده بودند و از این طرف شعارهائیکه در بالا ذکر شد و همچنین شعارهای "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر امپریالیسم"، "ارتجاع پوشالی است کردستان گواهی است"، "درد ما درد شماست، مردم بما ملحق شوید"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی" "مقدمات دفاع را آماده مینمودند مرتجعین که بوسیله افراد کمیته و پاسداران هدایت و رهبری میشدند حمله را آغاز نمودند. درگیری شروع گردید و محلات شهر با بلوکهای سیمانی و ..... سنگربندی گردید، باران سنگ آغاز شد. دختر و پسر، زن و مرد، پیر و جوان بهم فشرده و متحد به حملات ارتجاع پاسخ میدادند. پیرزنی چادر بکمر بسته و با سنگ به طرف مرتجعین یورش میبرد پیرمردی با سزاگویان سنگ و چوب و... میآورد و با شروع درگیری عده ای از بازاریان و پیشه وران که ابتدا بوساطت آمده بودند همراه با زنان محلات به مقابله با حملات پاسداران برخاستند. تعداد زخمیها لحظه بلحظه بیشتر میشد و شعارهای ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی با شدت هرچه بیشتری بالا میگرفت. صدای رگبار گلوله های آمریکائی و اسرائیلی (گوش فلک را کر میکرد و گلوله های گازاشک آور میدان نبرد را تیره و تار کرده بود (مردم آتش و دود را برای خنثی نمودن اثرات گازاشک آور برپا کرده بودند) مشت گره کرده و سنگ و چوب در مقابل گلوله های اسلحه های آمریکائی و گاز اشک آور بخوبی مقاومت مینمود، اما فشار بیش از حد مرتجعین و نیروهای کمکی! فشردگی صفوف مبارزان انقلابی پیروجوان، زن و مرد و... را تا اندازه ای گسست. ضرب و شتم وحشیانه داده و در طی آن ارتجاع چهره کریه خود را در ضربه زدن به نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست ضد ارتجاع نشان داده است.

حمایت پاسداران و مامورین کمیته امام

- نبرد خونین ۳ ساعته میان مردم و پاسداران در محمود آباد (آمل)
- پاسداران و مامورین کمیته، زخمیها را بزور از خانه ها بیرون کشیده و می برند.
- پیرزنی چادر بکمر بسته با سنگ به پاسداران حمله میکرد و پیرمردی با سزاگویان سنگ و چوب می آورد.

دستگیری و شکنجه آغاز شد. با یک اعتراض مردم زحمتکش شهر محمودآباد بلند شد اما سپر همچنان در محاصره نیروهای مسلح و چماقداران و ... بود. زخمیها و... را بزور و با شکنجه از منازل مردم بیرون میآوردند. ارتجاع خوب به امپریالیسم خدمت میکند و عناصر ناآگاه چه خوب آب به آسیاب ارتجاع و امپریالیسم میریزد.

هموطن مبارز!

این حادثه تنها حادثه ای نیست که در طی چند روز اخیر مشاهده کرده ایم. روز ۱۶ آذر در مازندران، شاهد شیکه بخاطر آن صورت گرفت بخاک و خون کشیده شد.

در **بابلسر** نیز راهپیمائی روز پنجشنبه ۱۵ آذر که از طرف دانشجویان پیشکام و فارغ التحصیلان پیکار با شرکت دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر صورت گرفته بود، تعدادی از اراذل و اوباش ابتدا در صدد برهم زدن صفوف راهپیمائی برمی آیند. اما چون کاری از دستشان بر نمی آید، در شهر به دروغ شایعه پراکنی میکنند که "کمونیستها میخواهند شهر بابلسر را بگیرند" و به این ترتیب از احساسات پاک و وطن پرستانه مردم سوء استفاده کرده و آنها را بطرف راهپیمایان میکشانند و سپس در حالیکه خودشان مسلح به چوب و چماق و چاقو و... شده بودند بصف دختران و پسران نظاهرکننده حمله برده و با وحشیگری تمام به زدن آنها میپردازند. آنها وقاحت را تا بدانجا بالا میبرند که حتی بحریم دانشکده نیز تجاوز کرده... ضمن اینکه هر سه چهار نفر جان یکی از دانشجویان می افتند، تمامی عکسها و اعلامیه ها و پوسترهای دانشکده را کنده و به آتش میکشند. حتی شیشه های دانشکده را هم خرد میکنند و صورت یکی از دانشجویان را با تیغ از بالا تا پائین میدرند.

در **آمل** نیز راهپیمائی و تظاهرات ضد امپریالیستی "فارغ التحصیلان پیکار" که در آن عده زیادی از دانش آموزان دختر و پسر مدارس آمل و همچنین گروه زیادی از جوانان این شهر نیز شرکت داشتند، مورد حمله وحشیانه همین اراذل و اوباش که با سنگ و چوب و چماق و..... مجهز بودند، واقع شد در این جریان حدود ۹ نفر زخمی شده اند.

بابل: همچنین راهپیمائی روز پنج شنبه فارغ التحصیلان پیکار بابل نیز با حمله وحشیانه همین عناصر بهم خورد.

می بینیم که این حملات پردامنه آنهم با این وحشیگری، در تمامی راهپیمائیهای چند روزه اخیر، در شهرهای مختلف استان روی از حمله به راهپیمائی ها و همچنین عدم مخالفت رژیم ارجنس وحشیگریهائی و باشد ممکن آنها نشان میدهد که این حملات کاملا موردی نباشد هشت خاکمه بوده و حکایت از یک طرح برنامه ریزی شده برای سرکوب هرگونه مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی میکند.

براستی هشت خاکمه ای که خود را در حرف ضد امپریالیست معرفی میکند، چگونه میتواند در عمل هم ضد امپریالیست باشد. وقتی که عوامل این چنین وحشیانه دختران و پسران و دانشجویان و دانش آموزان بیگناه را زیر کتک و باران مشت و لگد خود میگیرند؟

هموطنان مبارز!

با تمام توان از مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی خلقهای زحمتکش و نیروهای انقلابی پشتیبانی نموده و از سرکوبی و دستگیری و کشتار نیروهای انقلابی مبارز و توده های آگاه جلوگیری نمائیم. مبارزات خود را متحد و متشکل ساخته، عمیق تر کرده و با سرفرازی ایرانی آباد، آزاد، مستقل و دمکراتیک ادامه دهیم.

آخرین اخبار رسیده

آمل:

گروهی از دانش آموزان مبارز و انقلابی جهت آزادی یاران در بند خود صمن تعطیل نمودن مدارس و راهپیمائی در شهر مقابل سیاه پاسداران اجتماع نمودند و ضمن افشاگری و فاسد محمودآباد خواستار آزادی زندانیان شدند. با ادامه پیگیری دانش آموزان بر سر خواسته شان بهمراه خانواده دستگیرشدگان که توام با شعارهای ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی بود سرانجام دستگیرشدگان در کمیته محمودآباد آزاد میشوند (تعداد دستگیرشدگان بنا به ۲۸ نفر میرسد).

محمودآباد:

۵۸/۹/۱۷ - بقرار اطلاع، بازار محمودآباد بعلت اعتراض به سرکوب وحشیانه مرتجعین بحالت تعطیل درآمده.

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

چمران با اخراج کادرهای مبارز و مترقی از ارتش خواست اربابان آمریکائی اش را با جرا درمیآورد.

چگونه خواست واقعی توده ها در انحلال ارتش ضدخلقی شاه به ضدخود تبدیل شده است

ارتش ضدخلقی شاه دهها سال آنطورکه امپریالیستها می خواستند پرورش یافت وبه عنوان چماق سرکوب عمده دردست رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن باقی ماند ونه تنها در سرکوب خلقهای مبارز ایران بلکه درتاسیس جنبشهای انقلابی خلقهای منطقه وبویژه خلق عمال بکارگرفته شد. مبارزات زحمتکشان و انقلابیون کشورما با توجه به بحران اقتصادی وسیاسی چاره ناپذیری که دامنگیر رژیم شاه شد، درسال گذشته اوج بی سابقه ای یافت و عناصر زیادی ازهمین ارتش را نیز جذب خود نمود. همافران دلیر با قیام انقلابی خوددر ۲۱ بهمن ماه نقطه عطفی درتاریخ مبارزات میهن ما گشودند وتوطئه سازش امپریالیسم، بورژوازی لیبرال و رهبران مذهبی نماینده خرده - بورژوازی مرفه سنتی را دریک مرحله نقش بر آب کردند. یادگارنهائی بکی ازدیگری بدست مردم سقوط کردوسلاح بدست خلق افتاد واین برای همه جناحهای ضدخلقی خطری عظیم بشمار می رفت. توطئه های تازه ای ازآن پس شروع شدتا طرح سازش را جلوبرندوازپیروزی انقلاب دموکراتیک وضدامپریالیستی توده ها جلوگیری نمایند.

توده ها، نیروهای چپ ومترقی انقلابی خواستارانحلال ارتش ضدخلقی بودندتا بسر وبرانه های آن ارتش خلق را بنا نهند، ارتشی که دیگربا یگاه امپریالیستم وعمال آن برای سرکوب خلق نباشد. بلکه مشت محکم زحمتکشان برسینه امپریالیسم جهانی ونیروهای ضدانقلاب باشد. اما توطئه هائی که یکی پس ازدیگری پیاده شدوازهمان روزاول کمونیستها ودیگر نیروهای مترقی نسبت بدان هشدار دادند موجب شدکه ارتش سابق بتدریج بازسازی شود وهیولیکال نگذشته است که عملکردهای ضد انقلابی آنرا درنقاط مختلف کشوردرسرکوب خلقهای ستمدیده ومبارزمان نا هدبوده ایم و آنقدرموردا عتمادامپریالیسم آمریکا قرار گرفته که ۲/۵ میلیارددلارا سلحه را هم دریافت کرده است. رکن ۲ (ضداطلاعات ارتش) با همان هدفها (اما تحت اسم دیگر) شروع به فعالیت کردوکسانی امثال ناکروحمران در راس ارتش قرارگرفتند. انحلال ارتش که خواست توده های انقلابی بودازسوی آیت الله خمینی کاملا رد شد وهرگونه حرفی وانتقادی درباره سرنوشت ارتش وبازسازی آن مذبوحانه بانقلاب قلمدادگردید. بعدها صحبت ازتصفیه ارتش کردند بدین معنی که ساختمان وترکیب ارتش همانطورکه بودبماندفقط افرادی ازکارها برکنارشوندا ما آقای چمران ازهمان ابتدا وهمزمان با بازسازی ساواک ودیگراقدامات ضدخلقی وضدانقلابیش ازتعدیل ارتش سخن گفت وحالا این "تعدیل" با بیرون ریختن بسیاری ازعناصرمبارزدرون ارتش بویژه همافران عملی میشود! تعدیل، آنطورکه خواست امپریالیستها وعمال داخلی شان است.

استادی همراه با اسامی جمعاً قریب ۷۰ نفرازکسانی که بایدازاول دیماه ۵۸ اخراج شوندبدست ما رسیده است که کلیشه برخی از آنها رابرای نمونه وجهت اطلاع خلقهای مبارز ایران منتشرمی کنیم. درکنارلیست اسامی افراداخراجی مواردا تهامآتان بچشم میخورد منجمله "اتهامات" زیرکه درموردا غلب این افرادنگارشده است:

"چپی، مخالف روحانیت، پخش کننده اعلامیه های فدائیان خلق، چپی ودموکرات، محرک، چپی وتاثرعقایدکمونیستی، تحریک وایجادراهپیمائی وتشکیل کمیته (شورا؟) منافق، مخالف حکومت اسلامی و..."

پیداست که با چنین دیدی، اتهامات دیگری نظیر "ضدانقلاب، سمپاتی علیه انقلاب، دارای گرایشهای ضدمردمی، منفی باف و..." چه معنائی میدهد.

جائی که ساواکیها، ضداطلاعاتیهای سابق کسانی که به کشتارعام توده های مبارزپرداختند وکسانی که روابط سری خودبا امپریالیستها را نه تنها حفظ کرده بلکه تقویت هم کرده اند، در راس کارها قرارداردندمشمول "تعدیل" و یا تصفیه قرارنمی گیرندمسلم است که تصفیه و اخراج بایدشامل حال "چپی ها و..." گردد. آیا جزاین است که چپی ها همواره دشمن کرومانع اقدامات ضدانقلابی هیئت حاکمه، چمران - ها وناکرها شده اند؟! ممکن است دربین این افراداخراجی برخی نه مانده های درجه دهم (وبعبارت دیگرآفتابه دزدها) هم باشند که بایداخراج شوند، اما با توجه به ماهیت و عملکردضدانقلابی هیئت حاکمه تصفیه واخراج و مجازاتهایی درحدا عدام بطورعمده شامل پرسنل انقلابی ارتش می گردد.

اینک کلیشه چندتا ازسندها که امضای دکترچمران وزیردفاع ملی یا امضای برهنگ اصغرنیرورنگ سرپرست اداره آجودانی را با خود دارد:

چرا سرگرد فضائلی را اعدام کردند؟

پایگاه وحدتی دزفول:

درهفته سوم آذرماه، درپایگاه نیروی هوائی دزفول (وحدتی سابق) یکی ازافسران بنام سرگرددفضائلی، طی یک سخرانی ازسه اصل ازقانون اساسی انتقادکرد. بعدازاین سخنرانی عده ای ازدرجه داران تحریک شده، علیه وتظاهراتی برپا می کنند. فرماندهی پادگان بلافاصله اورادستگیروپس از تشکیل "دادگاه" سرگردفضائلی رادرتاریخ ۵۸/۹/۲۴ اعدام می نماید!

ساواکیهای رنگ عوض کرده وفرماندهان دست نشانده امپریالیسم که کلیه امور ارتش را هنوزدردست دارندبا چنین اعمالی، ارتش به اصطلاح ملی راتحکیم می بخشندوبرای اقدامات ضدخلقی بیشتردرآینده درکمین نشسته اند...!

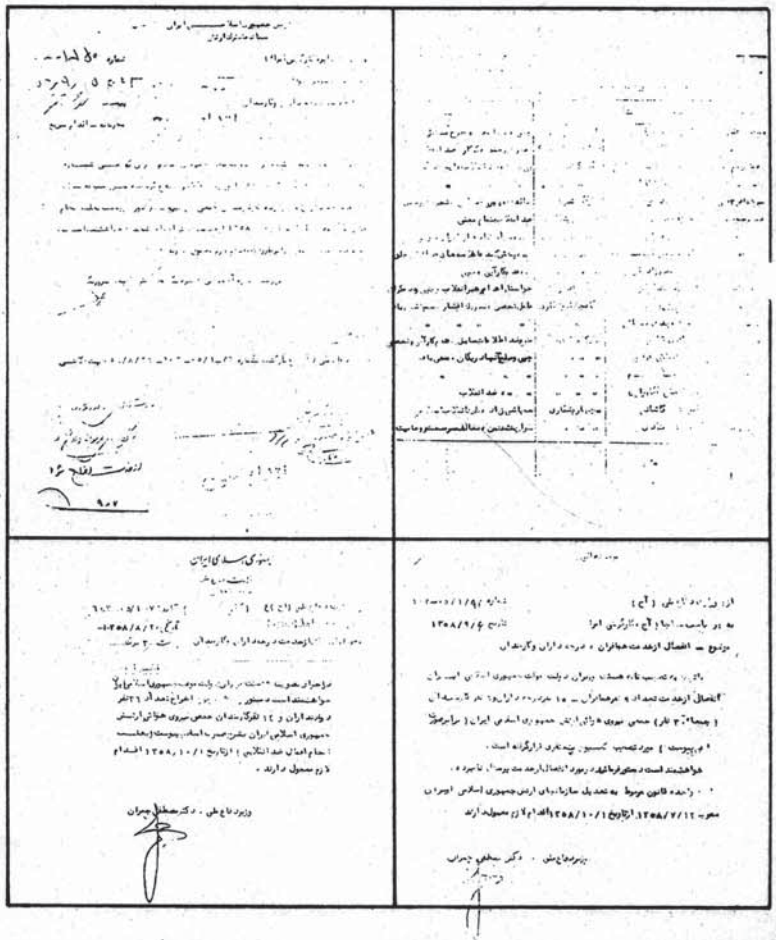

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۷)

درجامعه سوسیالیستی بورژوا چگونه به زندگی خود ادامه میدهد؟

در مقالات قبل کوشیدیم تا از نظر تئوریک امکان بازگشت سرمایه‌داری درجامعه سوسیالیستی را بیان داریم، از این پس در پی آنیم تا بطور مشخص بعلل ظهور و رشد رویزیونیسم درشوروی و سپس غلبه آن بپردازیم.

درروسیه به هنگامیکه انقلاب سوسیالیستی اکتبر صورت گرفت، پرولتاریا از نظر سیاسی درموضع قدرت قرار یافت. پس از آن زیر رهبری حزب بلشویک لنین و استالین و با قهرمانی های پرولتاریا بدنبال اجرای برنامه های پنجساله اقتصادی، تولید سوسیالیستی انکشاف یافته، در اقتصاد روستائی سیستم "ساوخوزها" و "کلخوزها" غالب گشته و در یک کلام شوروی درساختمان سوسیالیسم دستاوردهای گرانبهائی کسب میکند و به دژ شکست ناپذیر مقاومت و مبارزه علیه فاشیسم هیتلری تبدیل می گردد.

لیکن جامعه شوروی در تمام طول دوران لنین و استالین یک جامعه طبقاتی است و در آن مبارزه طبقاتی در اشکال گاه شدید و پیچیده ای ادامه دارد. براساس قانون وحدت ضدین جامعه سوسیالیستی، جامعه‌ای درحال گذار است، جامعه‌ای که در آن بقایای عناصر جامعه کهن در کنار عناصر رشد یابنده جامعه نوین وجود دارند. به معنای دیگر پس از پیروزی انقلاب اگرچه درجامعه سوسیالیستی بین رشد نیروهای مولده و مناسبات تولیدی یک هماهنگی بوجود آمده و نیروهای مولده در این جامعه نسبت به جامعه سرمایه‌داری از آهنگ رشد بسیار بیشتری برخوردار گردیده، ولی کماکان بین مناسبات تولیدی و نیروهای مولده و نیز بین روبنا و زیربنای اقتصادی هماهنگی مطلق و کامل وجود ندارد و بلکه تناقض موجود است.

مناسبات تولیدی که شامل اشکال مالکیت وسایل تولید، موضع طبقات و گروه‌بندیهای اجتماعی در روند تولید، مناسبات متقابل مابین طبقات و اشکال توزیع بوده خود در عین حال دربرگیرنده مناسبات اجتماعی میباشد. در دل این مناسبات است که مرکز ثقل تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی قرار دارد. درجامعه سرمایه‌داری مالکیت خصوصی وسایل تولید متعلق به طبقه سرمایه‌دار بوده و این طبقه به حکم موضع مسلط خود درجامعه به ستم و استثمار طبقه کارگر می پردازد. تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا تضادی آنتاگونیستی بشمار آمده و بناگزیر مبارزه طبقاتی شدیدی بر این پایه بوجود آمده و ادامه می یابد.

حال زمانی که انقلاب سوسیالیستی صورت می گیرد و مالکیت خصوصی ملغی می گردد نیروهای مولده که رشدشان در مناسبات مالکیت سرمایه‌داری محدود و مسدود شده بود، امکان توسعه گسترده پیدا می نمایند. ولی در این جامعه مجموعه مناسبات تولیدی - اجتماعی کهن نابود نشده و بلکه به حیات خود ادامه می دهند. درجامعه سوسیالیستی مالکیت حقوقی بلافاصله به مالکیت حقیقی پرولتاریا تبدیل نمی گردد و پرولتاریا نمیتواند در پروسه تولید بفوریت بطور کامل کنترل و اراده واقعی و طبقاتی خود را در تک تک سلول تولیدی اعمال نماید.

درجامعه سوسیالیستی تازمانی که مدیریت و اداره واحد تولیدی نه توسط کارگران آگاه و کمونیست بلکه توسط تکنیسین ها و متخصصین صورت می گیرد، تا زمانی که مهندسین و تکنیسین ها یکار مدیریت پرداخته و در کار یدی و تولیدی مستقیم شرکت نمی کنند، تا زمانی که علم و تکنیک منحصر به افراد معین بوده و نوعی مالکیت خصوصی آنان بشمار می آید و توده‌ها از آنها محروم است و در واقع تا زمانی که پرولتاریا حاکمیت طبقاتی خود را در هر واحد تولیدی اعمال نکرده و به مالکیت حقیقی دست نیافته است، مناسبات تولیدی - اجتماعی سرمایه‌داری از بین نرفته است.

بنابراین روشن است که این مناسبات کهن بمثابه عوامل بازدارنده، رشد نیروهای مولده که در این میان "بزرگترین نیروهای مولد خود همان طبقه انقلابیست" (مارکس) عمل میکنند و موجب رشد سرمایه‌داری میشوند. این مناسبات کهن بخودی خود از بین نمی روند و اگرچنانچه هدف مبارزه آگاهانه و پیگیر و طولانی حزب طبقه کارگر و توده‌ها قرار نگیرند بورژوازی را در بطن خود رشد داده و زمینه سقوط قدرت پرولتاریا را فراهم می آورند.

بعلاوه درجامعه سوسیالیستی روبنای سیاسی - حقوقی با زیربنای موجود انطباق کامل ندارد. بقول لنین درجامعه سوسیالیستی "نه تنها حقوق بلکه دولت بورژوائی هم تا مدت معینی باقی می ماند. منتها بدون بورژوازی!" (دولت و انقلاب). یعنی نه تنها مبادله براساس پول، سود، سیستم دستمزدهای نابرابر و توزیع بر پایه کار یعنی شعار "کسی که کار نمی کند نباید بخورد" وجود دارند، بلکه دولت دیکتاتوری پرولتاریا در موقعیتی قرار دارد که بوروکراسی، کارکنان جدا از پروسه تولید، روشنفکران بورژوا منش - دردستگاههای آن به هستی خود ادامه میدهند. اضافه بر این امر، در سطح جامعه ایدئولوژی و فرهنگ طبقات کهن و سنن و عادات ارتجاعی بطور سخت سرسختانه‌ای وجود داشته و تکثیر می شوند.

بجهت تحکیم مناسبات تولیدی سوسیالیستی و حل تضادهای موجود بین نیروهای مولده با مناسبات تولیدی و زیربنا و روبنا می باید که انقلاب فرهنگی پرولتاریائی با اتکاء به سنن توده‌های میلیونی با هدف دگرگون نمودن مناسبات تولیدی - اجتماعی و روبنای کهن ضرورت می یابد. تنها مبارزه طبقاتی پرولتاریا در زیربنا و روبنای جامعه است که اجازه خواهد داد مناسبات سوسیالیستی رشد یافته و جامعه طبقاتی سوسیالیستی بسوی جامعه بی‌طبقه کمونیستی سوق پیدا نماید. تنها با انقلاب کردن است که میتوان بنحو احسن تولید را رشد داد. سوسیالیسم به نتیجه خودبخودی "رشد نیروهای مولد" بلکه حاصل مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه مناسبات کهن و نابودی این مناسبات می باشد.

در شوروی اشتباهات حزب بلشویک و رفیق استالین در برخورد به این تضادها و چگونگی حل آنها و عدم درک علمی آنان، از برخی مسائل دوران گذار بسیار مجربه تاکید کننده جامعه بر رشد تولید و کم بها دادن به نقش مبارزه طبقاتی پرولتاریا می گردد. رفیق استالین در "ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی" (سپتامبر سال ۱۹۳۸) می نویسد: "در اینجا مناسبات تولیدی با موضع نیروهای مولده کاملا مناسب است." (تاکید از ماست)

اگرچه رفیق استالین بعدها کم و بیش به اشتباه خود در این موردپی می برد و مطرح میکند تا درست است که تصور کنیم در سوسیالیسم "بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، هیچ گونه تناقضی وجود ندارد، تناقض بدون شک هست و خواهد بود." (مسائل اقتصادی سوسیالیسم ۱۹۵۲)، ولی بهرصورت حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری آن نمی تواند در این دوران تحلیل دقیقی مبتنی بر ماتریالیسم علمی از مناسبات طبقاتی و رابطه روبنا و زیربنا ارائه دهند و چنین انحرافی بناگزیر نمی تواند به کم بها دادن به مبارزه طبقاتی و بویژه مبارزه ایدئولوژیک و عدم انقلاب در مناسبات اجتماعی نیانجامد.

ادامه دارد ...

میتینگ دانشجویان هوادار سازمان پیکار و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - شیراز

روز جمعه ۱۶ آذر، دانشجویان هوادار و مبارز شیراز بمناسبت بیست و ششمین سالگرد شهادت ۳ تن از دانشجویان انقلابی، میتینگی در دانشکده پزشکی ترتیب دادند. میتینگ دانشجویان با پخش سرودهای انقلابی آغاز شد و سپس یکی از دانشجویان درباره تحلیل جنبش دانشجوئی مقاله‌ای خواند. سپس مقاله‌ای از نشریه ۱۶ آذر خوانده شد و سرانجام پیام سازمان پیکار... کمیته خوزستان و پیام دانش آموزان هوادار شیراز قرائت گردید. در طی برنامه سرود کارگر، دهقان دانشجو توسط گروهی از دانش آموزان خوانده شد و شعارهایی در رابطه با پشتیبانی از خلق کرد و محکوم کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا توسط جمعیت داده شد.

جمعیت در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند که سرود دهقان دانشجو کارگر را دسته جمعی خواندند و با شعارهای اتحاد - مبارزه پیروزی و ... محوطه دانشکده پزشکی را ترک کردند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ریشه‌های بحران مسکن در ایران
- ۴ -

بهرحال این التهاب صورت آورد سرمایه‌گذاری ساختمان به سرکتهای خصوصی امپریالیستی سرمیرسید. مثلا گروه عمران و شهرسازی ارتشی که طرح معروف "مون پارتاژ" (پارتاژ بلند) برپس بنای اروپا را ساخته است، در پنجم ۵۶ برای انجام یک پروژه شامل ۵۵۰ آپارتمان کرانه‌تپه‌ها ۲۲ طبقه در منطقه نوساز آباد به ایران آمد. در همین ماه پیمانکاران شرکت خانه‌سازی آمریکائی برای انتخاب زمین و مذاکره با مقامات وزارت مسکن و شهرسازی به تهران آمدند که طی آن قرارنود یک شهرک ۷۰ هزارنفری در منطقه لویزان احداث کند.

در این میان ساختمان سرمایه‌گذاری هر کار که می‌خواستند می‌کردند. مثلا یکپارچه‌ساز و فروش هایک خیابان تهران را که محل عبور و مرور صدها اتومبیل بود ماهها برای انجام عملیات حاکمیت داری خود مسدود کردند! (۱). و یا ملاکها و کشاورزهای دهی در نزدیکی کرج (اشتلفان) را در مدت کوتاهی از بین بردند و به زمین مسطح تبدیل کردند! (۲). در همین مورد یکی از اهالی این ده میگفت: "اگر ما بخواهیم برای کاشکل کردن یک نام مسلمان کمی خاک ارگه برداریم اداره منابع طبیعی مانع کار ما میشود. اما وقتیکه هزاران متر مربع ده ما را بی جهت تصاحب می‌کنند هیچکس مقیدش نمی‌شود... چندی پیش در قسمت علیجرشلیان زمین بزرگی برای فوتبال جوانان در نظر گرفتیم اما سازمان زمین علیجرشلیان را متعلق سازمان تصاحب کرد و در روزنامه اعلام شد که این زمین ملی شده است. ولی بعد از مدتی همین زمین را با پول دور رد کردند و متری ۵۰۰ تومان فروختند!" (۳).

پس دولت نیز در سلب کردن منافع بزرگترین زمینداران و بورژوازی بازار زمین نیز بسیار جالب بود. مثلا درست در حالیکه ساختمانهای بخاطر ساختن یک زیرزمین در آلونک خود بدست مأموران شاه مزدور بقتل میرسید، دولت تصویب نامه‌ای اجرا میکرد که براساس آن زمین به مقدار کافی با اجاره ارزان از اراضی ملی شده مواد در اختیار زمین خواران بخش خصوصی داده شود (۴). و یا مثلا دولت در ۴ تیر ۵۶ برای کمک به بخش خصوصی از نظر تامین مصالح ساختمانی، به خصوص سیمان ایجاد ساختمان های جدید دولتی را ممنوع کرد. و یا در ۹ تیر ۵۶ اقدامات دولت برای کمک به بخش خصوصی برای تکمیل واحد‌های ساخته‌شده نیمه‌تمام از جهت تامین وام، مصالح ساختمانی و... آغاز شد که با استقبال وسیع بخش خصوصی مواجه گردید. تازه حتی اگر همین بخش خصوصی آنچه را که می‌ساختند بصورت اجاره جنسی با نرخ های بالا در اختیار تقاضاکنندگان قرار می‌دادند، مسئله مسکن برای اقشاری چون استادان، مهندسان و... حل میشد در حالیکه هجوم اسطور نبوده است و در واقع "علاقه سازندگان به اجاره دادن واحدها مدام کاهش یافته است... حالی یکدادن خانه‌ها و آپارتمان ها هیچ سودی را در بر ندارد هر بنه حالی یکدادن یک آپارتمان ۵۰۰ هزار تومانی در حدود ۷ هزار تومان درماه است. زیرا عادی برپس شهرهایند ۱۶٪ رسیده است. ۷ هزار تومان اجاره ماهانه برای یک آپارتمان ۵۰۰ هزار تومانی قیمت خوبی است زیرا از ده درصدی که متعارف است بیشتر خواهد بود. وقتی صحبت از بلوک های آپارتمانی شامل ۱۰ تا ۱۵ آپارتمان پیش می‌آید، میتوان دید که صرف نظر کردن از یک درآمد پیش ۷۰ هزار تا ۱۰۵ هزار تومان درماه با عقل خوردرسی آید وکسانی که این زمان را تحمل میکنند در انتظار مسیری اند برای می‌خواهند موجر شوند. در تهران و شهرستان ها بیشتر آپارتمان‌ها را یا سازنده فروش ها می‌سازند و همانطور که ارتباطات نیز است در خط اجاره دادن نیستند و دنبال فروش می‌روند. آن ها به محض پایان یک بلوک آپارتمانی فروشند و با حتی یک تا دو بلوک باره را در دست می‌گیرند. در حال حاضر کسانی که سازنده ولی اجاره دهند حتی یک در صد از سازندگان واحدهای جدید را هم بیکنل نمی‌دهند" (۵). (توجه کنید به آنچه که درباره سیاست بانکهای مسکن در مورد دوام برای خرید خانه اشاره کردیم). با گفته پیداست که همان درصد کمی هم که به اجاره می‌پردازند، بیشتر به اجاره دادن به خارجی ها است.

مبارزات زحمتکشان «خارج محدوده» برای خانه‌سازی

مبارزات وسیع توده‌ای که کانون آن در جنوب، جنوب غرب و شرق تهران از سال ۵۵ شروع شده و در تابستان ۵۶ به اوج خود رسید، آتش گرم مبارزه‌ای بود که از زیر خاکستر سالها فشار و سرکوب سرشرون می‌کشید و حمراز سنگ اعتلای انقلابی علیه نظام رژیم‌های اقتصاد وابسته به امپریالیسم می‌داد. صدها هزار نفر از توده‌های "خارج محدوده" که با هدف فروش بخش و یا بودی حاصل سالها رنج و مشقت خود بخاطر درست کردن یک سرپناه و چهار دیواری محقر بودند حرکت وسیع مبارزاتی خود را شروع کردند این حرکت در تداوم رشد و توسعه خود در اشکال جدید شرط و مارزیم سلطنتی را در هم پیچید و به امپریالیسم آمریکا لطمات جدی وارد آورد.

لازم است اشاره‌ای به مبارزات پرشور توده‌های مردم در آن سالهای سرکوب و خفقان بکنیم.

در محله شاه‌آباد اولین برخورد جمعی مردم با مزدوران رژیم که برای خراب کردن خانه‌ها آمده بودند در ۲۵ تیر ۵۶ اتفاق افتاد. در این روز تعدادی از مزدوران به منطقه حمله برده و شروع به خراب کردن خانه‌ای می‌کنند. در همین حین عده زیادی از اهالی از زن و بچه و مردهائی که در خانه‌ها بودند به مأموران حمله برده و مأموران با سر و روی خونین با چار به فرار می‌شوند. یکی دو روز بعد در گیری دیگری پیش می‌آید. در این روز دوباره مأمورین با ماشین و چند موتورسیکلت به منطقه حمله میکنند مردم شرکه از قبل آماده شده بودند با سر و صدای ورودکامیون را می‌شنوند همه از آلونک ها و خانه‌هایشان بیرون ریخته و با هر چه که دم دستشان بوده به مأمورین حمله میکنند. در مقابل فشار هجوم مردم، مأمورین شهرداری شب مقاومت نیاورده و فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند.

در محله دولت آباد یکی از پاسگاه‌های محرم کردلو در درگیری با مأموران رژیم شاه شهید می‌شود. محرم کردلو با رفتوشی در میدان طاهری بود که بطلب گرانه به خانه زیادی آن محله می‌آید و روی زمین خودش خانه‌ای می‌سازد. از آنجا که تعدادی افراد خانواده‌اش زیاد بود، وی سعی میکند که در قطعه زمین دیگری که همانجا داشته یک خانه دیگر بسازد. ابتدا ده هزار تومان رشوه به مزدوران میدهد و اجازه ساختن یک زیرزمین را می‌گیرد. هنگامیکه ساختمان زیرزمین به آخر می‌رسد مأموران به آنجا حمله میکنند. محرم به همراهی زن و بچه‌اش در مقابل تخریب مقاومت میکند. او به مأموران می‌گوید "ده هزار تومانی که دادم بدهید تا خودم خراب کنم" ولی آنها زیرزمین را با بولدوزر در هم می‌کوبند. در جریان مقاومت محرم، یکی از مزدوران سر او را به تیر آهنی می‌کوبد که محرم بر اثر خونریزی مغزی شهید میشود. زن و مادر او هم در این جریان زخمی میشوند.

در گیری مردم "علی آباد" اولین بار در ۵ مرداد ۵۶ اتفاق افتاد. در این روز مأمورین

بقیه در صفحه ۱۳

(۱)- کیهان ۱۸ تیر ۵۶
(۲)- کیهان ۷ تیر ۵۶
(۳)- همانجا
(۴)- کیهان ۱۱ تیر ۵۶
(۵)- کیهان ۹ تیر ۵۶
(۶)- کیهان ۲۲ مرداد ۵۸

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از...

کرد. این قبیل اعمال که از طرف خوانین برای تحت فشار قرار دادن رژیم و امتیاز گرفتن از آنها صورت میگرفت (۱)، به مسئله بیکاری و تورم ابعاد گسترده‌تری می بخشید. بدلیل ناامنی راهها و درمواردی ناامنی شهرهای منطقه برای افراد غیربومی بسیاری از متخصصین غیربومی (ودربسیاری موارد حتی پیشه ور خرده‌پای غیربومی) فرار را برقرار ترجیح میدادند. نتیجتاً با توجه به دوری راه و کمبود سراسری ارزاق درکشور، مهاجرت تامین کنندگان اصلی ارزاق و عدم گردش پولی در بازار تورم و کمبود ارزاق عمومی را بسیار چشمگیر ساخت. بدلیل فراهم بودن این شرایط حزب جمهوری اسلامی، انجمن های اسلامی (غیربومی) منطقه، سپاه پاسداران و کمیته‌ها، خود کنترل ارزاق را بدست گرفته در بسیاری از مناطق دور افتاده روستائی و یا شهری بین مردم آرد و روغن و تا بدیهورت مجانی تقسیم شد. (درمقیاسی بسیار کوچک نه بصورت مستمر). با توزیع روغن و تا بدو آرد بقیمت دولتی از طریق کمیته‌ها انجام می پذیرد. این اقدامات که همراه با تبلیغات وسیع بنفع رژیم (وعمدتاً بنام خمینی) صورت میپذیرد بجز در مناطق شیعه‌نشین تاثیر مطلوبی نداشته و مردم با دیده شک و تردید به این گونه تبلیغات مینگرند. در این رابطه عده‌ای به نحوه انجام این اقدامات معترض هستند و در ایرانشهر دیده شده است که افرادی مردم را از خریدن اجناس توزیع شده بوسیله کمیته منع میکنند و در زاهدان کار به تیراندازی هوائی نیز رسیده. بطور مثال قیمت کیسه آرد در بازار آزاد ۱۵۰ـ ۱۲۰ تومان، نزد عاملین فروش ۹۵ تومان است که کمیته‌ها آنرا ۷۰ تومان می فروشند.

باید خاطرنشان کرد که در شرایط فعلی عاملین فروش به ندرت جنس مورد نظر را موجود دارند اما در این مورد وضع کمیته‌ها بهتر است. نقش خان ها در ایجاد آشوب در منطقه

با فروریختن ارکانهای امنیتی حکومت مرکزی در دوران حکومت بختیار و بعد از آن خوانین که سالها مطیع و مواجب بگیر حکومت مرکزی بودند برای بسط اقتدار خویش و تجدید عهد با گذشته ملوک الطوایفی خویش فضای مناسبی را یافتند. این خوانین، با مسلح کردن چیره‌خواران و یا بستگان خود سعی کردند در مناطق آباء و اجدادی با دیگر حکام بلامنازع شوند، برای مدتی به باج گیری و جمع آوری بردگان خانگی قدیمی خود پرداختند تا درخانه‌ها دوباره به بیگاری کشیده شوند. کینه‌های قبیله‌ای دوباره جان گرفتند و جا ده‌ها بسیار ناامن و پرتنش و هراس بود. اعظم خان درفنوج با زور اسلحه از مردم مالیات میگرفت و خاطیان کتک می خوردند. محمدخان میرلاشاری و عیسی خان مبارکی در منطقه لاشار و بمپور برای ترساندن و خاموش کردن روستائیانی که میخواستند مالیات نپردازند بشدت عمل پرداختند و یکی از دهقانان را کشتند. در منطقه فنوج بهرام خان شیرانی، دردشتیاری مولا داد سرداروزهی و کریم بخش سعیدی، در کنارک جهانگیرخان شیرانی، در سراوان امان الله باران در سرحد ریگی ها و یار محمد زهی ها ترک تازی می کردند. با پاگیری نسبی دولت بازرگان خود این خوانین برای امنیت منطقه از رژیم جدید تقاضای اسلحه کردند و جالب این است که این اسلحه به آنان تحویل نیز داده شد. در اردیبهشت ماه با آمدن خامنه‌ای (که قبلا در ایرانشهر تبعید بوده است و بعد از قیام نیز مسافرتهای مشکوک زیادی به منطقه کرده که اخبار آن هیچگاه در رادیو تلویزیون منعکس نشده است) و تماس گیری با بعضی از خوانین سیل اسلحه از طریق سرگردضیائی فرمانده هنگ ایرانشهر بطرف خان ها سرازیر میشود. بعنوان مثال به مولاداد خان سردارزهی (چاه بهار و دشتیاری)، محمدخان میرلاشاری (ایرانشهر) بهرام خان مبارکی (سراوان)، هریک از ۸۰ تا ۱۰۰ قبضه اسلحه از طرف ژاندارمری تحویل داده شده است.

خوانینی که اسلحه دریافت کرده‌اند از مرتجع ترین خانها و غلامان حلقه بگوش محمد رضا شاهی بوده‌اند و پس از پخش اسلحه نه تنها به امنیت منطقه کمکی نکرده‌اند بلکه بیش از پیش به ناامنی منطقه افزوده‌اند بطوریکه افراد بسیاری در جاده‌های خاش ـ ایرانشهر ـ چاه بهار جان خود را در طول تابستان ۵۸ از دست دادند. سلطانپور شروتمند چاه بهاری و خورشیدی معاون فرماندار چاه بهار و عبدالله‌ی شروتمند ایرانشهری و بسیاری دیگر به گروگان گرفته شدند و پس از تحویل باج ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی آزاد گشتند. با آمدن پاسداران غیربومی به منطقه و کنترل جاده‌ها توسط آنان امنیت نسبی ای برقرار شده است که بیشترین دلیل آن ارزیابی خوانین و در بعضی قسمتها کنار آمدن موقتی خوانین با رژیم جدید است. هنوز در کوه و کنار راهزنی ها و قتل های پراکنده صورت می گیرد و از اقتدار خوانین نیز چیزی کم نشده است. در شرایط جدید گرچه به این خوانین از طرف رژیم قولهائی داده شده است اما بدلیل ناپایداری اوضاع و موضع گیری شفاهی بعضی عناصر رژیم (مانند ادعاهای دادستانی انقلاب مبنی بر باز پس گرفتن اسلحه‌هائی که توسط دولت ضدانقلابی حاکم بین خانهای مرتجع توزیع شده) خوانین را بیکدیگر نزدیک کرده است و عناصر زیرک تر آنها سعی دارند که از رشد نارضایتی توده‌های مردم از رژیم جدید بنفع خویش بهره گیری کنند و در نقاطی که فعالیت نیروهای مترقی چشمگیر نبوده است توانسته‌اند که مردم را حول بعضی شعارهای متداول روز (مانند خودمختاری، اما یقیناً نه بنفع توده‌های زحمتکش بلکه بنفع خوانین مرتجع!) بسیج کنند.

بسیاری از خوانین مانند بارکزهی ها، میرلاشاری ها و مبارکی ها و سعیدی ها و سردارزهی ها که در رابطه با سیستم ملوک الطوایفی با یکدیگر تضادهائی دارند و در گذشته بر سر نمایندگی مجلس و قدرت منطقه‌ای با یکدیگر در رقابت بوده‌اند اکنون به یکدیگر نزدیک شده‌اند و بر سر انتخاب یک شیوه و روش در مقابله با دولت و نیروهای منطقه با یکدیگر کنفرانس تشکیل می دهند. (کنفرانس های قصرقند، ایرانشهر، میرجاوه و...). آنان یکسعی در جلب توده‌های ناآگاه بسمت خود دارند با طرح مسائلی مانند "حقوق ملی"، "خودمختاری" سعی می کنند دستان خود را که آلوده بخون مردم زحمتکش منطقه است پنهان سازند و آب تطهیر بر آنان بریزند (۲). گرچه با افشاگری نیروهای مترقی جب منطقه این خوانین نتوانسته‌اند نیروی عظیمی را بدنبال خود بسیج کنند اما قدرت نمائی محمدخان میرلاشاری و اعلام وفاداری خوانین منطقه سیستان به او و نظاهرایی که اخیرا (اوائل آذرماه ۵۸) در چاه بهار صورت گرفت نمونه فعالیت خوانین و زنگ خطری است که برای تمام نیروهای مترقی که علاقمند به آینده منطقه هستند بصدا درمی آید.

ادامه دارد...

---

(۱) ـ نمونه محمدخان میرلاشاری که بعداً بحث خواهیم نمود.

(۲) ـ شایعاتی راجع به تماس گیری این خوانین با نیروهای مرتجع شیخ نشین ها و حتی بختیار نیز پخش شده است.

سنندج در دست خلق

فعلا در شهر سنندج اداره سیاسی شهر در دست سازمان انقلابی زحمتکشان (کومه‌له) می باشد و در مورد تمام مسائل روزمره، مردم به آن مراجعه میکنند. سازمان (کومه‌له) از روزی که وارد شهر سنندج شده شروع به خلع سلاح جاش‌ها و هواداران مفتی زاده که مسلح بودند، کرده و تعدادی از جاشهایی را که در کشتار مردم دست داشتند دستگیر کرده است. البته روز اول ورود پیشمرگان، خود مردم به هر کس که بدبین بودند دستگیر میکردند و تحویل سازمان کومه‌له می دادند که با طرب و جو دنیا مدن هرج و مرج از این کار جلوگیری کردند.

در یکی از زمینینگ ها، سازمان زحمتکشان یکی از جاشها بنام معروف شبلی را که قبلا دستگیر کرده بود و پس از تحقیقات لازم چون در کشتار مردم مستقیماً دست نداشت و با توجه به بهانه جوئیهائی که هیئت مذاکره دولت در رابطه با آن می کردند آزاد کردند و به او اجازه دادند که در پشت تریبون قرار بگیرد و از نظرات خود دفاع و یا انتقاد کند و او مستقیماً شایعات مبنی بر شکنجه شدن خودش را شدیداً تکذیب کرد و از خود درباره محبتهائی که در رادیو تلویزیون بر علیه سازمانهای سیاسی و خلق کرده بود انتقاد کرد و از سازمان زحمتکشان برای پذیرائی که در آن مدت از او کرده بودند تشکر نمود. شهر سنندج اکنون در محاصره شدید نظامی قرار گرفته. دولت اولی را که مبنای آتش بس قرار گرفته بود از جمله خروج پاسداران و انحلال سپاه پاسداران در کردستان و عدم نقل و انتقالات نظامی در منطقه بهیچ وجه توجه نکرده و هیچ کدام از آنها را عملی ننموده در رابطه با آن شهر سردشت هنوز در دست سپاه پاسداران و ارتش است در شهر سنندج هنوز سپاه پاسداران در مقرشان مستقرند، منتها هیچ قدرت اجرائی ندارند.

و در رابطه با محاصره نظامی شهر سنندج سازمان انقلابی زحمتکشان در یکی از مینینگ‌هائی که تشکیل داده بود (در جواب سوال مردم و اظهار نگرانی مردم که می گفتند و باره ارتش

◄

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

وباندارمی خواهدبیایدتوی شهروآیا پیش‌مرگان می خواهندشهررا ترک کنندودوباره ما رابدست پاسداران وامثال خلخالی بسپارند) کشیدکه‌تا موقعی که‌مردم‌آمادگی دفاع داشته باشندوبخواهندمقاومت کنندپیشمرگان هم همگام‌باآنها درشهرمی مانندواز شهرخودودفاع میکنندوآنها فقط درموقعی حاضربه بیرون رفتن از شهرهستندکه‌مردم‌ازآنها بخواهند، به‌خاطرقدرت نمائی ارتش دردورورشهر .

نبردبلوچ

"زنده‌درگیرنهای اخیررا هدان"

نیروهای انقلابی ومترقی درمنطقه‌ٔ بلوچستان،درگیرنهای اخیررا هدان راازقبل پیش بینی میکردند وبه‌خلق هشدار میدادند درهمین رابطه خبرهای زیر را از "نبردبلوچ" شماره‌ٔ ۵ میخوانید:

■ زاهدان

درارابطه باخبری که‌ازطرف حزب: اتحادالمسلمین ازرادیو بی بی‌سی.لندن درموردحمله ۵۸/۹/۱۶ بحش بد.جامعه‌ٔ سیستانیها بسر موضع خودراطی اطلاعیه‌ای دراین موردا علام نمود به‌تبعیت ازاین اطلاعیه‌نکاتی میگفتیم:

.....

۵- دربایان اعلام میداریم که‌هرگروه‌یا ارگانی که‌سپیدبدانی مبنی برخنثی مبلغانه نماید،جامعه‌ٔ سیستانیها باتمام قدرت وامکانات باخاطره‌ٔ نظامی خود که‌تمام‌کسوت درآمادگی کامل ومرحله‌ٔ سبز بسرمیبرند،ازاین حرکات مذبوحانه که‌عامل آنها امپریالیسم وصهیونیسم بین المللی درمنطقه‌است بشدت جلوگیری خواهدنمود.

درخصوص ساعه‌ٔ برگزاده‌ای بنام حضرت آیت الله‌العظمی خمینی ازطرف کمیته‌ٔ مرکزی حزب اتحادالمسلمین نیزمادرید که‌درآن یادآوری نمودید که‌درمنطقه قشودال وجود ندارد وهیچ بوطنه‌ٔ ضدملی ازجانب ضدانقلاب وامپریالیسم وصهیونیسم دراین منطقه صورت نگرفته وعوامل تشنجات درمنطقه رابه‌گروه خاصی نسبت داده‌است.

مابه‌این مرتجعین وعناصرمعلوم الحال حزب اتحادالمسلمین وجامعه‌ٔ سیستانیها و باخاطره‌ٔ نظامی که‌درمرحله‌ٔ آمادگی ومرحله‌ٔ سبزمیباشد،یعنی،پاسداران،این مزدوران بازه بدوران رسیده میگوئیم که‌خلق بلوچ و مردم مبارزسیستان ازنقشه‌های شوم شماکه‌هدفی جز براه انداختن حمام خون ازتوده‌های ناآگاه ندارید،بخوبی آگاه است واین جنگ قدرتی که شماخائنین بخلق درصدد براه انداختن آن و اینکه به‌رژیم ضدخلقی ثابت نمائیدکه‌کدامتان لایق نگهداری وحفظ امنیت منطقه هستید شرکت نخواهدنمود.

آری خلق مبارزبلوچ، آری مردم مبارز سیستان بهوش باشید که‌خوانین با همدستی حزب معلوم الحال اتحادالمسلمین ازیکطرف و جنایتکاران ناخاه‌ٔ نظامی ضدخلقی اش یعنی جامعه‌ٔ سیستانیها ازطرف دیگرشما رابه‌برادرکشی وادارند،شمائی که‌طی سالهای متمادی در کنار یکدیگرزندگی میکرده اید.ما دراینجا ازجوانان آگاه بلوچ وسیستانی میخواهیم که نقشه‌های این خائنین رادرمیان توده‌های زحمتکش افشاء نمایند.

"مرگ برارتجاع محلی دست نشانده وخیره‌خوار امپریالیسم آمریکا!"

درافشاء این حرکتها به‌همین زودی نوشته هائی ازطرف گروه ما (نبردبلوچ)منتشرخواهد شد.

■ ایرانشهر ۵۸/۹/۱۳

دراین روزکه‌چهارمین روزاعتراضات و تظاهرات مردم برعلیه‌قانون اساسی "محصول خبرگان" بوده‌است،فرماندارایرانشهر در جلسه‌ای موضوع حکومت نظامی رادرایرانشهر مطرح میکند وحتی دراینموردتصمیماتی نیز گرفته‌میشود،اما بعلل اختلافاتی که‌ازجانب فرمانده‌ٔ هنگ زاهدارمری درمیگیرد،این موضوع واین طرح منتفی میگردد،اما پاسداران باتمام تجهیزات درخیابانهای شهر و فرمانداری مستقرمیشوند وخودرا آماده‌ٔ سرکوبی نمایند،اما ازآنجاکه دانش‌آموزان ودیگرزحمتکشان ایرانشهر متوجه بوطنه‌هائی ازجانب خوانین میشوند درسطح شهر شروع به‌افشاء حرکت خوانین‌میکنند و مردم راازنظاهرات بازمیدارند ومردم رابه مسجد دعوت میکنند تاروش تازه‌ای اتخاذ نمایند.مردم درمسجد جمع میشوندومرتجعین وعناصرمعلوم الحال ازگوشه‌وکنارخودرابجمع میرسانند وسعی میکنند که‌راه‌حلهائی ارائه کنند که‌منافع خودشان،فقط منافع خودشان‌را دربرداشته‌باشد که‌بااعتراض شدید جوانان آگاه روبرومیشوند.دراین گردهم‌آئی فقط خواستهای ۵ ماده‌ای فوری مطرح میشود که دایربرتشکیل شورای مردمی وکرفتن امور انتظامی ازدست پاسداران وتعیین افراد مطمئن وانتخابی ازجانب مردم بسمت فرمانداروتکذیب خبرهای دروغین ازرادیوبوده‌است اما ازآنجاکه ارتجاعیون دراین جلسه نفوذ میکنند وسعی میکنند که‌فقط حرف خودشان باشد جوانان بعنوان اعتراض جلسه راترک میکنند.■

بقیه‌ازصفحه ۱۱

ریشه‌های ...

شهرداری بابولدوزرولودربرای تخریب خانه‌هائی میآیندکه‌طی چندروزاخیرساخته‌شده‌است. مزدوران دوخانه‌رادربالای محله‌خراب میکنند وبه‌قصدتخریب خانه‌های پائین محله‌هجوم‌می‌برندکه‌باقاومت یکپارچه‌حدود ۲۰۰ نفرازاهالی مواجه میشوند. مردم‌باهرآنچه‌که‌دم‌دستشان بودبه‌ماموربن حمله میبرند.. چیزی نمی‌گذردکه‌ماموربن فرارراترجیح می‌دهندوبدون اینکه‌بتوانندحتی یک خانه از پائین راخراب کنند، درمی روند. مردم نیز پس ازاین جریان فاتحانه‌وشادازمقاومت یکپارچه‌شان‌بساختن وتعمیرخانه‌های خراب شده‌وسایرخانه‌ها ادامه‌میدهند. یک هفته نمی گذردکه‌ماموربن مجدداً دربازدهم مرداد حمله‌ورمی شوند. اما این باربا توجه‌به‌شکست مفتضحانه‌شان دردفعه‌قبل، کاملا باتجهیزات می آیند. ۱۷۰- ۱۵۰ ماموربشهرداری با ۲۴ ماشین مرکب ازتعدادی لودروبولدوزرونیز افسروپاسبان شروع به‌تخریب خانه‌ها میکنند. جمعیت زیادی جمع میشوند.هنگامیکه‌ماموران به‌دومین خانه‌میرسند،مادری بدفاع ازخانه‌اش برخاسته‌وخودش راجلوی لودرمی اندازدومی‌گوید:"یا خانه‌ام‌راخراب کنین یا خودم‌رابکشین" ماموران شهرداری نیزکه‌ازقرارمعلوم به پشتیبانی ماموربن شهربانی وژاندارمری دلخوش کرده‌بودند، بدون توجه‌به‌گفته‌های این مادربقصدتخریب خانه،لودررا پیش می‌راندکه‌به‌وی اصابت میکند. مردم برای بیرون کشیدن این مادرمبارزاززیرچرخهای لودرهجوم می آورندکه‌درهمین حین، حمله به‌ماموربن ازسوی مردم شروع میشود. مردم که‌ازچندروزقبل آماده‌شده‌بودندوهمه چیز رابرای حمله‌آماده‌کرده‌بودندشروع به حمله کردند. مدتی نمی گذردکه‌ماموربن با تمام وسایل تخریبشان فرارمیکنندوسه‌ماشین ازخود برجای می گذارند.همچنین سه‌نفرشان هم زخمی میشوند. ازمردم نیزدونفردراین جریان زخمی میشوند. دودستگاه ازماشین ها هم‌بوسیله‌مردم‌خشمگین خردمیشودویکی هم به آتش کشیده‌میشود.

درمنطقه‌پاچی آباد نقطه‌اوج مقاومت مردم در۵ مردادماه ۵۶ وهنگامی بود که ماموران شهرداری به‌قصدتخریب خانه‌ها حمله کرده‌بودند.مردم قسمت جنوبی پاچی (که بیشترجادرها وآلونک ها درآن قرارداشت) به طوردستجمعی ومتحدبه‌ماموران حمله کرده با سنگ وچوب شروع به خردکردن شیشه‌های ماشین‌ها وردن ماموربن میکنند. ماموربن عقب‌نشینی کرده‌وبا بولدوزروماشینهای خود فرار می کنند.

درچشمه‌علی یکبارماموربن خانه‌های مردم‌رابطورناگهانی موردحمله‌قرارداده و تعدادی راخراب میکنند. بعدازرفتن ماموربن شهرداری صاحبان خانه‌ها که‌کم‌کم‌سروکله‌شان پیدا میشودتصمیم می گیرندفردای آنروز برای اعتراض به‌شهرداری بروندکه‌هم اجاره ساختن مجددخانه‌ها رابگیرندوهم خسارت وارده دراثرحمله‌شهرداری را مطالبه‌کنند. تعداد مردم‌پس ازرسیدن به‌شهرداری از ۵۰ - ۴۰ نفر تجاوزنمیکندکه‌با مردمی که‌برای کنجکاوی آمده‌بودندمدغرمی شوند. اما دراجتماع دو روزبعد- شنبه ۵۸/۶/۵ - تعدادبیشتری حدود ۷۰ نفرجمع میشوند.درروزاول اجتماع مردم سراغ شهرداررا می گیرند. شهرداری‌که‌جمع شدن مردم‌درجلوی شهرداری را می بینندازدرعقب شهرداری فرارمیکندوقائم‌مقام‌شهرداریز از ترس درهای اتاقش راقفل میکندودراتاق بسته‌بکارمی پردازد.مردم‌وارداختمان شهرداری شده‌وشروع به‌شکستن شیشه‌ها میکنند. در همین هنگام‌ماشین های شهربانی سرمیرسند و مردم‌را متفرق میکنند.

درجوادیه‌تهران پارس دزدوخوردی که بین ماموربن شهرداری، ماموربن انتظامی و اهالی درجریان تخریب خانه‌های نیم ساخته خارج ازمحدوده‌درگرفت تعدادزیادی ازمردم مجروح شدندودرعملیات تخریب خانه توسط مزدوران رژیم‌شاه‌نیزحدود ۲۰ خانه‌نیم‌ساخته خراب شد.

اینها بودنمونه‌هائی ازمقاومت‌های قهرمانانه‌توده‌های "خارج‌محدوده". گرچه

بقیه‌در صفحه ۸

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۷ تظاهرات ...

یکی از پیرمردان که صورت چروکیده و سوخته‌اش نشانی از سالها رنج و مشقت میداد، درمورد فتحعلی خان چنین میگفت:

"فتحعلی خان قاتل است؛ جانی است، خائن است. او زندگی ما را برباد داد. او سالیان سال خون ما را مکیده است و حالا که دستگیرش کرده‌ایم، ما زندانی ۷ میلیون تومان رشوه گرفته و وی را آزاد کرده است" ود در حالیکه بشدت عصبانی بود، شعار میداد: "مرگ بر ما زندانی".

یکی دیگر از پیرمردها می گفت: "بیست و چند سال است زارع هستم. فتحعلی خان مزدور گورستان ده ما را با خاک یکسان کرد تا در آنجا کشت کند، او حتی به مرده‌های ما نیز رحم نکرده است. بعد از انقلاب نیز بلافاصله زمین هایی را که سالها رویشان زحمت کشیده ایم، فروخت به یک عده از سرمایه‌داران غیر گویومی و ما دستمان بجایی بند نشد که شد. ما انقلاب کردیم که فتحعلی خانها اعدام شوند، زمینها مال خودمان باشد، اما حالا فتحعلی خان آزاد میگردد و ما مثل گذشته باید برای دیگران زحمت بکشیم."

عده‌ای از جوانان محل نیز به جنایتهای فتحعلی خان اشاره میکردند و از جمله اسمی از یک زن فاسد را می بردند که فتحعلی خان از طریق او عده‌ای از دختران را فریب داده و بدنامشان کرده بود. یک عده دیگر اظهار میداشتند فتحعلی خان با افراد مسلح خود و با همدستی ژاندارمری محل ۶ نفر از اهالی را بقتل رسانده است.

★ ★ ★

کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما همگی میدانند که آزادگذاشتن کسانی چون فتحعلی خان در حالی است که مبارزات کارگران و دهقانان بشدت سرکوب میشود و هر گونه صدای حق طلبانه‌ای با مارک "ضد انقلابی" در گلو خفه میشود. و اینجاست که باید گفت آیا حکومت "مستضعفین" همین است؟! آیا مبارزه با "مستکبرین" همین است؟! قضاوت را بعهده کارگران و دهقانان زحمتکش واگذار می کنیم.

بقیه از صفحه ۶ وظایف ...

ارتباط فعال این دو تلاش نمود. از یکطرف بایستی با کار تبلیغی و ترویجی فعال در بین کلیه حلقه‌های زحمتکش ایران و بویژه طبقه کارگر در جهت بردن خواستهای عادلانه خلق کرد و خنثی و افشا نمودن تبلیغات عوامفریبانه ارتجاع و سپس در افشا و طبقات زحمتکش را به پشتیبانی از مبارزات حق کرد بسیج نموده و به حمایت فعال از آن مبارزات بکشانیم. از طرف دیگر با بستن با کار فعال و آگاهگرانه در بین توده‌های زحمتکش حق کرد پیوند تا کستنی مبارزات انقلابی آنها را با مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی با پرتقاط ایران توضیح داده و اینکه خواستها و اهداف زحمتکشان کلیه خلقهای ایران تنها در جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر است که بدست می آید.

۴ - کمونیستها و نیروهای انقلابی باید کوشش مستمری را در جهت ایفاء و مبرد بودن جریانات سازشکارو و اپسته که در زیر لوای حقوق ملی خلق کرد خود را نشان نموده‌اند، انجام بدهند و اجازه ندهند که چون توده‌های انقلابی خلق کرد و حد المصالحه این جریانات برای بقدرت رسیدن و امتیازگرفتن و معاملات با ارتجاع حاکم قرار بگیرند.

۵ - همانطور که خلق برگفته بود خواستها و اهداف واقعی توده‌های زحمتکش خلق کرد در پوشش این رژیم نمیتوانند آنرا برآورده کنند پس جهت نیل به نظام دموکراتیک و وسیع و همه جانبه رژیم را بعد از یک دوران نقش برای نیروهای ملی دادن به اوضاع سیاسی، نظامی خود را دایت. پس جهت تدارک سیاسی - تشکیلاتی و نظامی و آمادگی کامل برای مقابله با حمله مجدد ارتجاع و همچنین تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب کوشید...■

بقیه از صفحه ۷ شعار، افراد کمیته و پاسداران و فرمانداران را از زمینهایشان بیرون میکنند.

خوش نشینان روستای "جمسی" بدنبال عمل انقلابی خود اطلاعیه‌ای صادر کرده و ضمن آن عمل انقلابی خود و علت آن را تشریح کرده و خواهان پشتیبانی مردم شدند. متن اطلاعیه چنین است

اطلاعیه شورای خوش نشینان جمسی:

ملت مبارز، اهالی محترم شهرستان دارآب، دانش آموزان غیور:

ما خوش نشینهای قریه جمسی که جزء محروم‌ترین طبقه این جامعه پس مانده از رژیم ننگین پهلوی میباشیم توجه شما را به جریانات و وضع این روستا جلب میکنیم. برای اطلاع یافتن از وضع این روستا احتیاج به شناخت کامل این روستا میباشد. برای این منظور لازم میدانیم که گزارش زیر را بعدیم داریم:

این روستا در ۸ کیلومتری دارآب واقع شده است و دارای ۱۳۰ خانوار با جمعیت حدود ۱۷۰۰ نفر میباشد. و دارای ۱۸۰۰ هکتار زمین قابل کشت است که ۱۴۰۰ هکتار آن متعلق به مالک و ۴۰۰ هکتار دیگر متعلق به ۵۶ نفر از اهالی این روستا میباشد. بقیه مردم این روستا که عمده آنها در حدود ۱۲۰ نفر میباشند خوش نشین هستند (زمین ندارند) از این صد و بیست نفر، ۲۰ نفر آنها بر روی ۱۴۰۰ هکتار زمین مالکی با ماهی ۱۰۰۰ تومان کار میکنند آیا این عادلانه است که ۵۶ نفر از دهقانان این روستا بر روی ۴۰۰ هکتار زمین کار کنند و مالکان ۱۴۰۰ هکتار زمین را که یک چهارم آنها زیر کشت نمی رود با ۲۰ نفر کشت کنند؟ و این در شرایطی است که ۱۰۰ نفر از جوانان این روستا برای اینکه راه کشورهای خلیج نشین بر روی آنها بسته شده، بیکارند و کشور احتیاج به هر چه بیشتر کشت کردن و بسوی خودکفائی رفتن دارد. ما در صدد برآمدیم که قسمتی از زمینهای مالکان را که زیر کشت نمیرفت کشت کنیم تا هم گامی در راه خودکفائی کردن کشاورزی کشور برداشته باشیم و هم شغلی برای ما باشد که بتوانیم لقمه نانی بدست آوریم. ضمناً به پشتیبانی فردی در شما احتیاج داریم.

"شورای خوش نشینهای جمسی"

■ مرودشت

در روستاهای مرودشت بسیار کثیر زمین‌های زراعی در اختیار زمینداران و حاجیان می‌باشد و روستائیان بصورت روزمزد برای خوانین کار میکنند. از جمله در "بید امیر"، در حدود ۴۰۰ هکتار زمین که قسمت اعظم اراضی این منطقه را نیز شامل میشود، در اختیار فئودالهای مرتجع و خونخوار قرار دارد. در مرودشت نیز بر ضد فئودالی روستائیان را فرا گرفته است. دهقانان در روستای "کربال" زمینهای فئودالها را تصرف نموده‌اند. اما این کام اولیست که برداشته شده. شور ضد فئودالی سرعت طوفان در میان دهقانان گسترش مییابد و مرود که دهقانان برای همبندیهای پوسیده فئودالی را صدپاره کنند.

■ ممسنی

همراه با اوجگیری مبارزات دهقانی در در این منطقه خوانین مرتجع دست به تهاجم وحشیانه‌ای علیه توده‌های مردم زده‌اند. در روز ۱۵ آذر خوانین مرتجع "درهشوری" که در راس آنان خسروخان قشقایی قرار دارد در منطقه "ماهورمیلانی" مستقر شدند. در روز ۱۸ آذر درگیری مسلحانه بین خوانین و توده‌های زحمتکش درهشوری شروع شد و در طی این مبارزات، یکی از خوانین مزدور بنام "ایازخان" کشته شد.

★ ★ ★

در روز ۱۹ آذر به دعوت دانش آموزان و دانشجویان عشایر تظاهرات وسیعی جهت محکوم نمودن توطئه‌های کثیف و خائنانه خوانین مرتجع برپا شده و در پایان تظاهرات قطعنامه‌ای دایر بر محکوم نمودن اعمال خائنانه خوانین خلع سلاح تمام آنها و اعدام سهراب خان، ناصر خان و خسروخان از سوی تظاهرکنندگان خوانده شد. در طی تظاهرات مردم قهرمان عشایر با دادن شعارهائی از قبیل: "ایادی ایازخان دشمن خونخوار ما، زمینهای خوانین بنفع مستضعفین تقسیم باید گردد و..." خشم و نفرت

بقیه از صفحه ۷

سی سالان خود را از خوانین آزاد میدانند. اما خوانین در مقابل این خشم توده‌های مردم نمیتوانستند آرام بنشینند و طبق معمول از طریق مزدوران خود دست به تخریب و توطئه زدند. روز ۲۱ آذر همین مزدوران به کشاورزی "علم" حمله برده و پس از تخریب کشاورزی تمام وسایل موجود در کشاورزی، حتی لوازم التحریر را نیز برده بودند چرا که خوانین خوب تشخیص میدهند که آگاهی توده‌ها دشمن آنهاست

■ فیروزآباد

"جای دست". روستایی است که در ۶۰ کیلومتری فیروزآباد قرار دارد. در این روستا محمد حسین خان نیرا در خسروخان معروف الحال که ذکر احوالات او در بالا رفته است، چندی قبل ۸۰ هکتار از زمینهای دهقانان را بزور اسلحه غصب کرده است. محمدحسین خان در زورگوئی و ستم بر دهقانان نه تنها از دیگر فئودالها عقب نیست، بلکه با اعمال خودحتی گوی سبقت را از دیگران ربوده است. تا میبرده اخیراً ۷۵۰۰۰ کیلو بذر جهت کشت در زمینهای غصبی دهقانان تهیه نموده و با تمام نیروی سعی دارد دهقانانی را که بر علیه فئودالها بپا خاسته‌اند، سرکوب کند. اما اگر دیگر برادران فئودال او توانسته اند با زورگوئی کاری از پیش ببرند، او نیز خواهد توانست مبارزات قهرمانانه دهقانان نشان میدهد که عمر فئودالها بسر آمده و پیروزی از آن دهقانان است.■

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۲

شیوه برخورد...

بورژوازی شده، دست از مبارزات واقعاً ضد امپریالیستی خود برنداشته و دنباله‌رو سیاست‌های ارتجاعی هیئت حاکمه نشوند!

رفقای فدائی معتقدند، درحالیکه توده‌های خرده‌بورژوازی و جناح سیاسی آن در هیئت حاکمه درگیر مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها (اصطلاح "بورژوازی وابسته به لیبرالها" دیگر خیلی صحه جدیدی است، ما نمی‌دانیم، ولی میتوان گفت که تقریباً همه چیز می‌توان از آن برداشت نمود!) است، پرولتاریا نسبت از وی حمایت فعال و نامحدود کند. نباید دنبال آیا واقعاً چنین چیزی درست است؟ و آیا موضع پرولتاریا در جریان "مبارزه جناح خرده‌بورژوازی مرفه در قدرت و نمایندهٔ نفوذ آن آیت‌الله خمینی با امپریالیسم آمریکا با چه موضع حمایت و پشتیبانی باشد؟

رفقا! مبارزه داریم با مبارزه! مبارزه مسلمونها کارگر و دهقان و خرده‌بورژوازی شهری علیه امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا داریم. "مبارزه" جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر چگونگی حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه و سرکوب چنین توده‌ای هم داریم. ما در کدام یک از این مبارزات قهرمانانه توده‌های زحمتکش علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه شرکت نمودیم و هم "مبارزه" جناح خرده‌بورژوازی لیبرال با امپریالیستها بر سر تقسیم قدرت را پشتیبانی کردیم.

آیا باید پرولتاریا را از مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های زحمتکش خلق جدا نماید؟ بدون بردن آری. پرولتاریا که خود نیز از هر طبقه دیگری جدا از نظر سیاسی و جدا از نظر اقتصادی از مسئله وابستگی رنج می‌برد، می‌تواند در سیاست مبارزه ضد امپریالیستی قرار گرفته و در این راه با حفظ استقلال سیاسی خود از هر مبارزه واقعاً ضد امپریالیستی، ولو جزئی و محدود باشد فشار و طبقات خلقی بطور جدی پشتیبانی نماید. لیکن آیا "مبارزه" جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر چگونگی حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه و چگونگی تحمیق توده‌ها، به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی آنها، با ترس گرفتن از شورشهای انقلاب و سرکوب جنبش هر دم اوجگیرنده توده‌ای، قابل تائید و پشتیبانی پرولتاریا می‌باشد؟ خیر! این مبارزه قابل تائید پرولتاریا نیست!

ما در بررسی تحلیل‌های سازمانی خود، از جمله در ضمیمه نشریه پیکار (۳۴) مضمون حرکت هیئت حاکمه، اهداف و عملکردهای اخیر آنرا مورد بررسی قرار داده‌ایم، لیکن در اینجا فقط قابل ذکر می‌دانیم که بنظر ما این حرکت، نه یک حرکت واقعاً ضد امپریالیستی، و نه یک حرکت مبارزه‌جویانه بر علیه بورژوازی وابسته بلکه یک تغییر تاکتیک، تحت فشار جنبش توده‌ای، و براساس تضادهای درونی هیئت حاکمه می‌باشد.

سیر حرکت شورای انقلاب و شخص آیت‌الله خمینی، بعد از قیام تا بحال صحت تحلیل بالا را روشن می‌نماید. طی ۵ ماه بعد از قیام، تا تلفیق شورای انقلاب در دولت، شورای انقلاب و آیت‌الله خمینی بعنوان دنباله‌رو از بورژوازی و ارتجاع، در عین حال دارای عمل‌کرد نسبی ضد امپریالیستی و مترقی نموده‌اند. (تشکیل دادگاههای انقلاب و محاکمه و اعدام تعدادی از سران رژیم قبلی، برخی عملیات کمیته‌ها در دستگیری عناصر ضد انقلاب و...) اما این حرکات ضد امپریالیستی محدود شورای انقلاب و آیت‌الله خمینی طی دوره قبل از تلفیق با دولت بتدریج کمرنگ‌تر و کمرنگ‌تر می‌گشت تا بالاخره در زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت، دیگر ما تا هدکوچکترین عملکرد مترقی نمودهٔ شورای انقلاب و یا شخص آیت‌الله خمینی نیستیم. طی این دوره قبل از تلفیق وظیفه ما درکنار رفقای ما هیت سازشکارانه شورای انقلاب و خمینی، حمایت مشروط از آنها بود. لیکن بعد از تلفیق شورای انقلاب و دولت، که مستقیماً نتیجه‌اش در سرکوب سیستماتیک و یا سرتاسر خلق کرد، حمله به تظاهرات مسالمت‌آمیز در رابطه با توقیف روزنامه‌نویسان، توقیف نشریات مترقی، حمله به دفاتر سازمانهای انقلابی و... امکان یافت، وظیفه ما نه حمایت حتی مشروط از شورای انقلاب و خمینی، بلکه طرد و افشای آنها به عنوان "ضد انقلاب" می‌باشد. بعد از طی پروسه تلفیق شورای انقلاب در دولت، برخورد دوگانه با شورای انقلاب و خمینی، نه فقط عدم درک ما را از ماهیت حرکت طبقات مختلف جامعه و قانونمندی حاکم بر آن می‌رساند، بلکه عملاً نشان می‌دهد که دچار اوهام لیبرالی نسبت به حرکات طبقات مختلف شده، قادر به تعیین وظایف خود (و پرولتاریا) نسبت به حرکات این طبقات مختلف نیستیم.

آیا حرکت اخیر هیئت حاکمه را جدی ملی تعیین می‌نمایند؟ آیا شورای انقلاب که دستش تا آرنج بخون پاک خلقها، کارگران و دهقانان ما آغشته شده، یکباره انقلابی شده است؟ آیا آیت‌الله خمینی که طی ۹ ماه اخیر مستقیماً و صریحاً به سرکوب جنبش کارگری و توده‌ای امر کرده بود، ناگهان ضد امپریالیست می‌شود؟ خیر رفقا! این تغییرات نه در عالم واقعیت، بلکه در دنیای ذهن شما حاصل شده است. حرکت اخیر، تحت فشار جنبش اوجگیرنده توده‌ای و تلاش مذبوحانه هیئت حاکمه در به انحراف کشاندن این جنبش، و براساس تضادهای درونی آنها شکل می‌گیرد. این جناحها علیرغم تضادهای درونی شان، در سرکوب جنبش توده‌ای، دارای وحدت کامل میباشند. اگر آیت‌الله خمینی واقعاً ضد امپریالیست بود (حتی بطور محدود، مشروط و...) از کوچکترین حرکت واقعاً ضد امپریالیستی کارگران و دهقانان و سایر توده‌های زحمتکش خلق ما پشتیبانی و حمایت میکرد! "برای مبارزه واقعی بر ضد سلطنت‌طلبی، برای تامین واقعی آزادی که فقط در گفتار و فقط منحصر به مواعید و شیرین زبانیهای میلیوکف و کرنسکی نباشد، دولت جدید باید از کارگران "پشتیبانی کند" نه کارگران از دولت جدید!" (لنین، منتخب آثار، ص ۴۴۹) رفقای فدائی و طرفداران نه اصطلاح آگاه طبقه کارگر معتقدند که برای اینکه هیئت حاکمه، کارگران را به آمریکائی بودن متهم نکند، کارگران باید از آنها و مواعید و شیرین زبانیها و به اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی شان حمایت کنند! رفقای فدائی از این هراس دارند که کارگران با آگاه را به آمریکائی بودن متهم نمایند، لیکن از این هراس ندارند که خود، پرولتاریا را بدنبال به زائده بورژوازی نمایند! شما چه خواهید و چه نخواهید، عمل شما به این منتهی میشود. رفقا معتقدند که دور کردن و بردوام شرشدن بیکانگی کارگران نسبت به سیاست (همان سیاستهای هیئت حاکمه؟!) "تدبیری بوده خرده‌بورژوا و توده کارگران را (کارگران سازشکار را؟) دامن زده و در نتیجه وحدت این متحد طبقه کارگر در مبارزه ضد امپریالیستی را مشکل‌تر می‌سازد."

رفقا! همان بهتر که سازش پرولتاریا با خرده‌بورژوازی حول سیاستهای هیئت حاکمه مشکل‌تر شود! همان بهتر که پرولتاریا با دور کردن و بردوام کردن بیگانگی خود نسبت به سیاستهای هیئت حاکمه، خرده‌بورژوازی توهم زده را از خواب بیدار کرده، بطرف خود بکشاند!

رفقا! شما بدنبال خرده‌بورژوازی توهم زده افتاده، از وحشت بدبینی خرده‌بورژوازی نسبت به حرکت مستقل پرولتاریا، پرولتاریا را دنباله‌رو سیاستهای آن می‌گردانید. آری، این است سیاست هواداران آگاه "طبقه کارگر"! شما برای اینکه وحدت (با سازش؟) توده‌های کارگر را با توده‌های خرده‌بورژوازی ممکن گردانید، سیاستهای مستقل پرولتاریا را به سطح توهم خرده‌بورژوازی تنزل می‌دهید! این است جان کلام شما. اگر سیر وی ضد انقلاب در میهن ما در توهم توده‌ها نسبت به هیئت حاکمه نهفته است، و اگر فقط یک سیاست واقعاً مستقل و بدور از هرگونه تزلزل پرولتری است که می‌تواند توهم خرده‌بورژوازی را نسبت به رژیم ضد خلقی شکسته، یا یکاه ارتجاع را محدود و شکننده نماید، پس پیش بسوی اجرای این سیاست! پیش بسوی بیدار کردن توده‌های خرده‌بورژوازی و پیش بسوی ایجاد زمینه‌های عینی و واقعی وحدت پرولتاریا و خرده‌بورژوازی، براساس برنامه حداقل پرولتری!

به این ترتیب، هنگامیکه رفقای فدائی از "بیگانه شدن کارگران نسبت به سیاست" توسط ما دم میزنند، این "سیاست" را یا سیاست بورژوائی دانست و نه سیاستی پرولتری. وهنگامیکه این رفقا از دور کردن کارگران از مبارزه ضد امپریالیستی جاری توسط ما دم می‌زنند، این مبارزه "ضد امپریالیستی" جاری را یا سیاست ما تورپختی از هیئت حاکمه، تحت فشار توده‌ای و براساس تضادهای درونی هیئت حاکمه دانسته و نه یک مبارزه ضد امپریالیستی واقعی!

◄

● رفقای عزیز! کارگران ما، ماهیت است که مبارزه ضد امپریالیستی می‌کنند. لیکن با این وجود، باز هم آنها را متهم به آمریکائی بودن می‌کنند تا مبارزات ضد امپریالیستی شان را در نطفه خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنباله‌رو سیاست هیئت حاکمه شوند و از مبارزه واقعاً ضد امپریالیستی دست بردارند، هیچوقت به آمریکائی بودن هم متهم نمی‌شوند!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

به این ترتیب رهنمودی که رفقای فدائی به کارگران می دهند، نتیجه‌ای جز تبدیل پرولتاریا به زائده بورژوازی و تسلیم شدن در برابر سیاستها و مواضع هیئت حاکمه نخواهد داشت. هواداران واقعاً آگاه طبقه کارگر وظیفه دارند همواره مدافع سیاست مستقل پرولتاریائی بوده و فعالیت تبلیغی و ترویجی خود را مبتنی بر حفظ این استقلال و تمایز طبقاتی پرولتاریا و درک مصالح واقعی طبقات دیگر و پشتیبانی مشروط از آنها قرار دهند.

واقعاً جای تاسف بسیار است که در شرایطی که کارگران و سایر توده‌های مردم، مبارزات خود را بر علیه امپریالیستها، انحصارات امپریالیستی و سرمایه‌داری وابسته در ایران شدت بخشیده‌اند، درست در شرایطی که "معین فر" وزیر نفت رژیم جمهوری اسلامی بنا چار (و صد البته که این اقرار برای لاپوشانی سازشکاریها و خیانتهای بی شماریست که تا بحال این رژیم مرتکب آن شده است) به خواستها و تمایلات کارگران مبارز شرکتهای حفاری سدکو و ... مبنی بر ملی کردن این شرکت ها تن در می دهد و یا لاخره در شرایطی که نفتگران رژمنده و دلیر شرکت لاوان خواستار ملی شدن شرکت های وابسته نفتی لایکو، پان آمریکن، ریمینیکو، سوفیران و سیریپ و مصادره سرمایه‌های امپریالیستی آنها شدند...، رفقای فدائی این دوستداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر، کارگران را به دنباله روی از سیاستهای بورژوائی و ضد انقلابی هیئت حاکمه می کشانند. اگر منظور شما از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی اینست، در چنین صورتی هیچگاه نباید نگران بیکاری کارگران بیکار از این سیاست و بر دوام شدن این بیکاری شد و در اینجا ما نیز کنار کارگران بیکار ریشما خواهیم گفت: بیکاری از چنین سیاستی (سیاست مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی حاکم) هرچه بر دوام تر باد!

★ ★ ★

پیرامون چگونگی "سیاسی کردن" مبارزه صنفی کارگران توسط هواداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر

در بحث قبل، درباره مضمون سیاست و چگونگی به سازش کشانیدن پرولتاریا با خرده بورژوازی و بورژوازی توسط این رفقا صحبت کردیم. روشن است که این مضمون در تاکتیکها و روش مبارزه تاثیر گذاشته و نمی تواند در این زمینه نیز موجب اختلاف نشود.

در این باره بطور مشخص میتوان به تظاهرات و تحصن کوتاه مدت کارگران بیکار در روز ۲۱ آبان ماه اشاره نمود.

رفقای فدائی مدعی اند که: "اکونومیست های خط ۳ و در راس آن پیکار، فقط برخواست اقتصادی کارگران تاکید میکردند و برای این کار حاضر نبودند (همچنانکه با آن موافقت کردند) صرفنظر از آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه در چه جهتی سیر میکند، کارگران را به تحصن بی موقع و طولانی بکشانند".

برای آنکه خواننده بهتر به درک قضایا نایل شود، ناگزیریم توضیحات هرچند طولانی پیرامون تظاهرات کارگران، علت آن و چگونگی پیشرفت آن بدهیم.

همانطورکه این رفقا خود می گویند: "روز ۲۱ آبان نمایندگان تصمیم می گیرند که برای شنیدن جواب خود (پیرامون سه خواست اصلی) به وزارت کار بروند" (پیرامون سه خواست اصلی ... "بی‌کاران درجریان راهپیمائی خویش شعارهای زیر را می دادند: "به گفته بازرگان، کارگران بیکار بر ضد انقلابند" و ... "

همین جا قابل ذکر است که رفقای فدائی عمداً از ذکر شعارهای "آمریکا، ارتجاع نابود است خلق ما پیروز است" و یا "آمریکا، ارتجاع دشمنان خلق ما" و ... طفره رفته اند!!

در مورد واداشتن کارگران به تحصن بی موقع و طولانی مدت و بدون توجه به جو عمومی مبارزاتی جامعه، باید بگوئیم که اختلاف ما و رفقای فدائی در مورد تحصن بی موقع (در مورد طولانی بودن تحصن بعداً توضیح میدهیم) اساساً برمی گردد به نحوه ارزیابی ما از همان چیزی که رفقا تحت عنوان "جو عمومی مبارزاتی جامعه" از آن یاد کرده اند. بسیار روشن است که رفقای فدائی، با توجه به ارزیابی و تحلیل سیاسی خود از جریانات اخیر (اشغال سفارت و سقوط بازرگان و ...) و تکیه روی مواضع ضد امپریالیستی جناح خرده بورژوازی حاکم و در همین رابطه ضرورت پشتیبانی از اقدامات این جناح "در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها" منطقاً باید همانطور که خود اشاره کرده اند "انتظار یاری فعال و نامحدود پرولتاریا را در این نبرد" و از این اقدامات داشته و از پرولتاریا و نمایندگان سیاسی آن بخواهند که در چنین شرایطی از انجام هرگونه تحصنی خودداری کرده و متقابلا از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند.

و اما همانطورکه قبلا اشاره کردیم، تحلیل و ارزیابی سیاسی ما از وقایع اخیر از ریشه با این رفقا در تضاد است و بزعم ما حرکت اخیر چیزی جز یک هم‌آوازی و هماهنگی ظاهری از سوی بخشی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی مرفه سنتی) با مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها نبوده و نوعی عقب نشینی حساب شده برای حفظ و تثبیت قدرت سیاسی این بخش و در عین حال کل هیئت حاکمه می باشد. با چنین ارزیابی ای از طرف ما هیچگونه دلیلی برای حلوگیری از تحصن کارگران بیکار وجود نخواهد داشت و ما وظیفه داریم که در خلال همین اعتصابات و تحصن ها نیز راه واقعی مبارزه بر علیه امپریالیسم را نشان دهیم. و در همین رابطه ریاکاری، تزویر و خیانت هیئت حاکمه را نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه از آن مهمتر در زمینه سیاسی نیز به توده ها خاطرنشان سازیم.

اما در مورد خود تحصن، جریان امر از این قرار است که نمایندگان کارگران بیکار طبق قرار قبلی، قصد داشتند ابتدا مقابل وزارت کار تجمع کرده، بعد از بررسی شرایط نسبت به ورود به وزارت کار تصمیم بگیرند، چرا که بنا به گفته خود رفقای فدائی، کارگران بیکار برای گرفتن جواب از مسئولین شورای انقلاب به آنجا آمده بودند. لیکن هنگامیکه سیل تظاهرکنندگان به وزارت کار نزدیک شد، کنترل تظاهرات از دست انتظامات و نمایندگان بیرون رفت و کارگران بی اختیار از نرده ها بالا رفته و بداخل وزارت کار هجوم بردند و به این ترتیب عقب نشینی توام با تیراندازی مأموران پاسداران را موجب شدند.

کارگران در وزارت کار متحصن شدند و نمایندگان خود را برای اخذ جواب از مسئولین وزارت کار و تماس با "شورای انقلاب" فرستادند. طی مدتیکه نمایندگان به بحث پیرامون خواست های کارگران می پرداختند، و تا زمانیکه جواب شورای انقلاب به کارگران نرسد، کارگران و روشنفکران آگاه از پشت میکروفون، به بحث پیرامون اوضاع جامعه، سیاستهای هیئت حاکمه، بیهوده بودن سیاست صبر و انتظار، افشاگری پیرامون اهداف هیئت حاکمه از شعار شعارت، درباره مضمون واقعی مبارزه ضد امپریالیستی و آن چیزی که در حرف هیئت حاکمه انجام میدهد، پیرامون خواستهای صنفی سیاسی کارگران، در دورنج آنان و عدم بهبود اوضاع اقتصادی کارگران بعد از قیام، مسئله بیکاری و ضرورت اتحاد حزب طبقه کارگر و ... می پرداختند. تحصن تا عصر آن روز ادامه یافت و سپس بعد از آنکه جواب شورای انقلاب رسید (واضح است که وعده و عید جز دلگرمی نمی توانست باشد) کارگران تصمیم گرفتند دوباره در خانه کارگر تجمع نمایند.

تذکر این نکته نیز در اینجا لازم است که علیرغم تناقض گوئی های رفقای فدائی در مورد توافق پیروان خط سیاسی - تشکیلاتی نسبت به انجام تحصن در ارمغان تا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ کس (به جز پیروان گروه اتحاد دهقانی) تحصن بی موقع و طولانی را پیشنهاد نکرده و با آن موافقت ننمایند. تحصن در ارمغان تنها از جانب این گروه پیشنهاد شد که مورد مخالفت همه قرار گرفت (در همینجا باید اشاره کنیم که مخالفت پیروان خط سیاسی - تشکیلاتی با پیروان این گروه و حرکات آنارشیستی آنها محدود به همین مورد نبوده و سایر موارد از جمله حرکات آنارشیستی آنان در روز تحصن را نظیر نوشتن شعار با ماژیک در محل تحصن و ... نیز شامل میگردد) لیکن از ریاکاری های مختلف، پیروان خط سیاسی - تشکیلاتی در عین حال که با تحصن در ارمغان مخالف بودند (چرا که اولا نیازی به این شیوه مبارزه نبود، ثانیاً امکان حفظ و تداوم تحصن بدلیل جو عمومی جنبش و به احتمال زیاد حمله ارتجاع به تحصن کنندگان وجود نداشت) با تحصن کوتاه مدت (تا عصر روز ۲۱ آبان) موافق بودند تا طی این جریان بتوانند پاسخ خود را حتی المقدور از شورای انقلاب دریافت کنند (بنا به گفته مسئولین وزارت کار، شورای انقلاب می بایست پاسخ درخواستهای کارگران را در آن روز میداد) این تحصن کوتاه مدت برخلاف تصور رفقای فدائی که همواره کوشش دارند، آنرا آلترناتیوی در برابر مبارزه ضد امپریالیستی جلوه دهند، در عین حال که روی خواستهای صنفی تکیه و پافشاری داشت، بهیچوجه در مقابل مبارزه ضد امپریالیستی قرار نمیگرفت و همانطورکه توضیح دادیم افشاگریهای سیاسی پیرو - ان خط سیاسی - تشکیلاتی چه در جریان راه پیمائی و چه در حین تحصن همراه با مضمون

◄

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پرولتاریائی و به بورژوایی جای بسیار مهمی داشت.

لیکن رفقای فدائی راه حل دیگری برای کارگران بیکار را ارائه داده‌اند:

"سیاست اصولی در این مورد این بود که کارگران بیکار می‌بایستی ضمن راهنمائی بوزارت کار، مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای تامین کار را در شعارهای خویش و بشیوه اصولی تلفیق کرده و چکیده شعار شدن پس از رسیدن بوزارت کار و خواندن قطعنامه‌ای حاوی تلفیق ذکر شده، را همینطور خویش را بصفت شعارت آمریکا ادامه میدادند و در مقابل شعارت قطعنامه‌ای متکی بر ضرورت شرکت عملی کارگران بتوسعه کارگران بیکار در مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها و ضرورت مبارزه برای حقوق از دست رفته بیکاران صادر مینمودند."

مسلماً نه تنها مضمون حرکت این رفقا مردود است، بلکه شیوه برخورد آسان با شعارات کارگر از بیشتر نظر ما خالی از اشکال نیست. کارگران برای گرفتن حوائج خود از شورای انقلاب اقدام به رفتن به وزارت کار نموده‌اند. رفقا بکمک این خواست کارگران را فراموش کرده، بدون پاسخ مثبت دادن به این خواست، آنها را به خلوی شعارت متکی بشعار ضد امپریالیستی توده‌ها و ضرورت مبارزه برای حقوق از دست رفته بیکاران صادر مینمودند.

همان کارگران بر عهده شما تا آگاه، باید در عمل نه بیهوده بودن وعده و عدهای شورای انقلاب و... برسند و وظیفه ما افشای رژیم و اهداف ضد انقلابی آن و بردن آگاهی دمکراتیک و سوسیالیستی به میان کارگران است. لیکن شعارهای افشای هیئت حاکمه در این مسیر (و به الزاماً فقط در این مسیر) کارگران را به ناشنید ضد انقلاب متکی بشعار.

روشن است که ما از مورد مشخص و برخورد مشخص صحبت میکنیم. تظاهرات پیرامون بیانیه مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و شرکت عملی کارگران در مبارزات ضد امپریالیستی لازم است و بسیار هم لازم است. (همانطور که چند روز بعد از طرف کارگران بیکار انجام گرفت و موضع جریانات سیاسی - تشکیلاتی روشنتر از همه بود!) لیکن در اینجا مبارزات کارگران و تجربه خودشان را در نظر نگرفتن، همان امری است که شما انجام میدهید!" و اما برای اینکه واقعاً تمام طبقه و توده‌های وسیع زحمتکش و تحت ستم سرمایه چنین خط مشی ای را بپذیرند، تنها تبلیغ و ترویج کافی نیست، برای این کار تجربه سیاسی خود این توده‌ها لازم است" (لنین) و تجربه سیاسی خود این توده‌های کارگر در جریان تظاهرات و تحصن ۲۱ آبانماه، جزیی از این تجربه است که نمیتوان آنرا در نظر نگرفت و از روی آن گذشت.

زمینه عظیم مبارزات اقتصادی طبقه کارگر فقط یکی از ابزارهای ما جهت بردن آگاهی سیاسی بدرون طبقه و افشای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج سوسیالیسم است، لیکن همین را در نظر نگرفتن، همان کاریست که رفقای فدائی میکنند، (درباره مبارزات سیاسی آنها هم که قبلا توضیح دادیم و دیدیم که از چه مضمون و محتوایی برخوردار بود).

این مورد و موارد دیگری از این قبیل، نشان دهنده بینش غیرتوده‌ای از شیوه مبارزه رفقای فدائی است. اگر در سیاست دچار دنباله روی و راست روی میشوند، در عمل دچار حرکت غیرتوده‌ای میگردند. این است شیوه "سیاسی کردن" مبارزات کارگران توسط هواداران با صطلاح آگاه طبقه کارگر!

درخاتمه لازم است توجه داده شود که رفقای فدائی در جریان تحصن محدود روز ۲۱ آبان حتی یکبار هم بر ضرورت راهپیمائی تاکید نکردند! و آنچه را که در مقاله مورد بحث متذکر شده‌اند صرفاً مسائلی است که بعد از پایان تحصن موفقیت آمیز ۲۱ آبان کارگران بیکار در وزارت کار بدان دست یافته‌اند!

● ● ●

بقیه از صفحه ۲

یزدی ...

قدرت را بیرخدشه دار می سازد. تضادهائی که جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه با بورژوازی لیبرال و وابسته دارد - که البته وجود این تضادها را نمیتوان انکار کرد - نباید موجب شود که سیر عمومی حرکت هیئت حاکمه در برابر خلق فراموش گردد. اختلافات میان این جناحها بخصوص بر سر حفظ سلطه مستقیم و همه جانبه امپریالیسم آمریکا که سیاست بورژوازی وابسته و لیبرال است و با تمایلات جناح خرده بورژوازی بقدرت رسیده کاملا وفق نمیدهد، وقتی در رودررو شی با مواضع انقلابی و سازش ناپذیر توده‌های مردم قرار می گیرد و موقعیت کل هیئت حاکمه بخطر می افتد، بسیار کمرنگ و ضعیف می شود تا جائیکه خرده بورژوازی در قدرت تنها سرمایه سازشکارانه اش مجبور به پذیرش طرحها و برنامه های این خائنین نیز میگردد. بنحوی این انعطاف و نرمش را میتوان در قبول طرح و برنامه نبردی در مورد گروگانها از طرف آیت الله خمینی دید. اخیراً یزدی مطرح کرده است: "در صورت خارج شدن شاه از آمریکا به عقیده من باید ۵۰ گروگان آمریکائی را محاکمه کنیم، ولی هدف ما نباید محاکمه شخصی این ۵۰ نفر باشد چون در اینصورت شکست میخوریم (!) بلکه باید هدف محاکمه آمریکا باشد..." (کیهان ۲۰ آذرماه).

اکنون که حتی مرتجع ترین لیبرالها و وابستگان به امپریالیسم نیز مجبور شده‌اند آمریکا را به باد حمله بگیرند - و این خود نشان دهنده ابعاد عظیم مبارزات ضد امپریالیستی مردم است - یزدی نیز رنگ عوض میکند و با اظهار اینکه هدف باید محاکمه آمریکا باشد از برخورد عملی و قاطع با مسئله گروگانها فرار میکند. چرا که از نظر او محاکمه گروگان ها و بطور کلی کمترین اقدام قاطع علیه این جاسوسان و مزدوران امپریالیسم منجر به شکست خواهد شد، و شکست نیز از دیدایشان چیزی نیست جز لطمه خوردن منافع امپریالیسم و سیستم سرمایه - داری وابسته حاکم بر ایران. از نظر آقای یزدی محاکمه آمریکا، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمایشیه، چند نطق و خطابه علیه جنایات آمریکا در ایران، رای به محکومیت آمریکا و دیگر هیچ! این تمام مبارزه‌ای است که یزدی و یزدی ها می خواهند با امپریالیسم آمریکا بنمایند. که در شرایط کنونی جنبش در بحبوحه مبارزات عمیقاً ضد امپریالیستی مردم باید گفت که این نه مبارزه، بلکه عوام فریبی محض است. یعنی با ماستمالی کردن خواستهای انقلابی مردم بنحوی که نه سیخ بسوزد و نه کباب، نه آمریکا لطمه زیادی ببیند و نه هیئت حاکمه، قال قضیه هر طور شده کنده شود. مردم مبارزه با امپریالیسم را نه در حرف بلکه در اقدامات عملی و قاطع می خواهند. آنها همیشه از همان زمان که فریاد میزدند: بعد از شاه نوبت آمریکاست، خواسته اند قراردادهای نظامی با آمریکا و تمام امپریالیستهای دیگر بیدرنگ افشاء و لغو گردد، صنایع وابسته به فوریت و واقعا ملی شده و سرمایه های امپریالیستی و وابسته مصادره گردد، دست سرمایه داران حیاول - کر خارجی و وابسته داخلی از اقتصاد مملکت کوتاه شود، به بهره کشی، فقر و بیکاری و سرکوب مبارزات توده ها خاتمه داده شود، با تشکیل شوراهای کارگری، دهقانی و دیگر شوراهای خلقی امور مملکت با مشارکت وسیع، فعال و

> ● یزدی این سرسپرده سیاستهای امپریالیستی مامور رسیدگی بخواستهای مردم میشود تا احتمالا با یکسری اصلاحات - اصلاحات تاجائی که برای رژیم امکان داشته باشد - محبوبیتی دست و پا کند.

همه جانبه مردم اداره گردد و... و امروز خائنینی چون یزدی بیشرمانه جرات میکنند و با ارائه طرحها و برنامه های "ابتکاری"، در خلال سخنان دیپلماتیک خود قصد آن دارند که هر چه زودتر امپریالیسم را از این تنگنا نجات دهند. مسلما اکنون اینها دیگر نمی توانند به شیوه گذشته منافع ارباب خود را حفظ کنند. امروز دیگر وضعیتی است که این خائنین هم صحبت از محاکمه امپریالیسم میکنند ولی محاکمه آمریکا بطور کلی و بدون اقدامات عملی وسیله خوبی است برای آنکه سازشها و تسلیم طلبی های هیئت حاکمه پوشیده بماند. آخر امروز کیست که از مبارزه با آمریکا حرف نزند. اما جناب یزدی و امثالهم با تمام زرنگی ها بشان کور خوانده اند. عمر رفرمیسم و شیوه های اصلاح طلبانه این آقایان زمانی دراز است که به پایان رسیده. همانگونه که بخشیا ربا روشهای پارلمانتاریستی و اصلاحاتش از طرف مردم بسه سرعت و با قاطعیت رانده شد، اینان نیز دیر یا زود چنین سرنوشتی خواهند داشت (همچنانکه تا کنون نیز اعتبارشان را به میزان زیادی از دست داده اند) یزدی ها و همران ها امروز از این شانس و فرصت طلائی برخوردارند که حمایت خمینی بهمراه آنها ست. ولی توده‌های عمیقاً ضد امپریالیستی مردم آنقدر آبکی است که اجازه دهد این معامله ها و زد و بندها بر سرنوشت و حیات یک ملت ادامه پیدا کند و نه اینان دیگر قدرتی در چنته دارند که بتوانند بهره نحوشده با کسب حمایت از رهبران با نفوذ مذهبی و... سیاستهای خود را بر مردم تحمیل کنند. مبارزات توده‌ها مرز میان انقلابی در حرف و انقلابی در عمل را روشن میکند و دیر یا زود شاهد رانده شدن یزدی هم از صحنه عمل و به طور کامل خواهیم بود و این سرنوشت گریز ناپذیر همه خائنین به انقلاب، همه مرتجعین و همه سازشکاران است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ آقای ...

نامیده ومیکوشیدآنها را "پاک" و "انقلابی" معرفی کند،

"مدتی است که مطالبی درباره آقایان همکاران مستقیم ودرجه اول من آقایان معاونین نخست وزیررا ادا نداخته اند. من بطورصریح میگویم افرادشناخته شده ای مطمئن ترومناسب - تراز وپاکتراز این سه نفریعنی دکتریزدی، مهندس صناعیان ومهندس امیرانتظام من اگر پیداکرده بودم آنها را بعنوان معاونت در نخست وزیری می آوردم." (آیندگان - ۲۶ فروردین ماه ۵۸)

دردآورا اینجاست که درحالیکه امیرانتظام خودسرگرم جاسوسی بوددرزمینه افتاگریهای انقلابیون پیرامون قطب زاده، یزدی وخودش باکمال بیشرمی به خبرنگار بامداد میگوید: "عناصرضدانقلاب چون قادرنیستندرودررو با انقلاب مبارزه کنند، سعی دارندروحیه مردم رابا پراکندن شایعات بی اساس تضعیف کرده، افرادانقلابی رامتهم ...به وابستگی به آمریکا وسازمانهای جاسوسی میکنند."

(بامداد دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)

امیرانتظام درتمام طول مدت بلبل زبانیش، جزکلی گوئی، دروغگوئی ویاوه سرائی کاری نکرد. وی برای فریب مردمی که مصرانه خواستارلغو وافشای قراردادهای اسارت آورامپریالیستی بودنددرشوهای تلویزیونیش پرونده های قطورقراردادها را بمردم نشان میدادومیگفت: برای بررسی این همه قراردادوقت لازم است. اوهمچنین بی - شرمانه اظهارمیداشت که میخواهداین قراردادهارابا وکلای آمریکائی مطالعه کند!!

درهمین رابطه بادرپیکارشماره ۴۱ (۴ اردیبهشت ماه ۵۸) نوشتیم: "بایداز .... امیرانتظام، این شرمابه دارواسته پرسیدکه آیابرای لغواین قراردادهاسه ماه وقت ومطالعه باوکلای آمریکائی تان لازم بود؟!"

ازآنجاکه بسیاری دیگرازدوستان "پاک" آقای بازرگان ویاران وفادارامپریالیسم آمریکاهمچنان درارگانها وسازمانهای دولتی حضوردارندواین مزدوران همگی شبیه بهم به زحمتکشان ونیروهای انقلابی حمله میکنند و حقایق راوارونه جلوه میدهند، برای شناختن بیشترآنها، گوشه هائی ازمصاحبه واظهار نظرهای امیرانتظام رانقل میکنیم:

وی درباره خودش میگوید: "...به کار آزادپرداختم وبا ایجادیک شرکت کوچک ساختمانی وتجارتی که باخصوصیات اخلاقی من وفق میداد گذران کردم. البته دراین مدت به ۶۴ کشورجهان مسافرت کردم." (بامداد دوشنبه ۱۷ اردیبهشت) این شرکت کوچک که آقای امیرانتظام با "هزاربدبختی" ازقبل آن "نان بخورونمیری" درمی آورندوبه ۶۴ کشورجهان مسافرت میکنند، شرکت پلاننگ است که نمایندگی ۱۰ کمپانی آمریکائی رادرایران برعهده دارد!

بعدازقیام زمانیکه مردم ما میکوشیدند درهرقسمت افرادمترقی وقابل اعتماد رابا انتخاب خوددرراس کارها بگذارند، تادست عوامل مزدورووابسته به امپریالیسم کوتاه گردد، امیرانتظام مانندديگرهمپالکیهایش کینه توزانه حمله کرده ومیگوید: "این ایده که بایستی موسسات، کارخانجات وسازمانهای مختلف روسا راخودشان انتخاب کنند، مخصوصاً درارتش غیرممکن است وتمام کشورهائی که ما (منظورموجودات جاسوس ووابسته به امپریالیسم) آنها را بصورت کشوری بادمکراسی واقعی میشناسیم (لابدمانندآمریکا!!)، این اجازه به آنها داده نمیشود." *

(آیندگان - ۹ اسفند ۵۷)

ودرجای دیگردرهمین موردمیگوید: "عده ای باین عنوان که چون کارگرکارخانه هستندمیگویندبایستی درسرنوشت کارخانه دخالت کنند، بایدهیئت مدیره کارخانه را خودشان انتخاب کنندکه عملی است غلط..... این عمل رادولت یک عمل ضدانقلابی تلقی میکندومجازات برای این افرادقائل خواهد شد." (آیندگان - شنبه ۲۶ اسفند)

ویا: "چه درتهران وچه درشهرستانها، گروه هائی هستندکه بااشاعه این ایده درکارخانجات وبانکها وادارات مختلف که آنها باید رئیسشان راخودشان انتخاب کنند، ایجادغفال میکنند." (آیندگان - ۹ اسفند ۵۷)

امیرانتظام این سخنگوی خائن وهموارهٔ دروغگوی دولت بازرگان دربرابرعمال اعتراضی کارگران وزحمتکشان بشرایط سخت زندگیشان میگوید: "دولت برای مبارزه با افرادضدانقلاب واخلالگران درکارهای تولیدی ساکت نخواهدبودودرحال حاضرگروهی ازاین افرادازجمله یک استاددانشگاه وچند دانشجوکه درکوره پزخانه بپرداخت ۱۲۰ تومان به کارگران ازکار آنها جلوگیری میکردند بازداشت شده اندکه دادگاه انقلاب مشغول رسیدگی به پرونده های آنان است. (بامداد - دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)

امیرانتظام دراین مصاحبه ادعاکردکه بزودی نام واسنادووابستگیهای این عده اعلام میشود، اما پس ازگذشت بیش از ۸ ماه اگرچه ازآنها خبری نشدولی اسنادوابستگی و جاسوسی خودش منتشر شد!!

وی درحالیکه عناصرمترقی وانقلابی را ضدانقلابی معرفی میکند، درپاسخ خبرنگاری که میپرسد: آنچه مسلم است تیمسار سرلشگرقرنی تقریباً عامل اصلی کشتارمردم بیدفاع کردستان عنوان شده است، آیادولت درمورد شناسائی ومعرفی عاملین کشتارخبرکردستان اقدامی خواهد کرد؟ میگوید: "من متاسفم که شمااز تیمسارقرنی که یکی ازدوستان و همکاران باارزش ما بودندبه اینصورت نام بردیدومن جداً این موضوع راتکذیب میکنم"

آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)

امیرانتظام درباره دعوت به کارمجدد کارشناسان خارجی میگوید: "آنچه مسلم است اینست که مدت زمان زیادی لازم است که ایران ازوجودکارشناسان فنی بی نیازباشد. بهمین جهت بمجرداینکه دولت سازندگی راآغازکند، ازاین قبیل کارشناسان کمک گرفته خواهدشد" (آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین)

ملاحظه می کنیدکه ایشان باچه عجله ای بازگشت کارشناسان خارجی (منظورشان همان جاسوسان ومستشاران آمریکائی است) را انتظارمیکشند!

وقتی امیرانتظامها بازگشت کارشناسان خارجی! سرکوب کارگران مبارزونیروهای انقلابی رازیرنام ضدانقلاب ضروری میدانند، طبیعی است که بازسازی ساواک راکه یکی از ارگانهای سرکوب است، دردستورکارخودقرار دهند! وی دراینموردمیگوید: "این سازمان وسائل ودستگاههای معظمی داردکه میلیاردها دلارارزش دارد... ازآنها میشودبرای کنترل بیگانگان وجاسوسان خارجی استفاده کرد."

(آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)

وقتی جاسوسها وعوامل وابسته به امپریالیسم خوددرراس ارگانها وسازمانهای دولتی باشند، بازسازی ساواک بشیوه بهانه کنترل جاسوسان جزبرای سرکوب نیروهای انقلابی معنی دیگری میتواندداشته باشد؟!

هموطنان مبارز!

گفته های امیرانتظام رادرموردکارگران نیروهای انقلابی، عناصرضدانقلابی، بازسازی ساواک و...باگفته های افرادی چون مدنی ها، یزدیها، چمرانها، شاکرها، و بهشتی ها و... مقایسه کنید، دربسیاری موارد آنها راشبیه بهم می یابید! زیرااینها همه، مهره های سیستمی هستندکه برای ترمیم زخم - هائی که امپریالیسم درجریان قیام قهرمانانه بهمن ماه برداشته کوشش میکنند. اینها همه تلاش میکنندتابندهای شل شده دست و پای زحمتکشان میهنمان رادوباره محکم کنند وگرنه بیجهت نیست که آقای بازرگان پس از آنهمه خیانت وبهیچ گرفتن خونهای پاک شهیدانمان دوباره درشورای انقلاب ظاهرمی - شودودکتریزدی ما موررسیدگی بکاباب مردم میگردد!

بکوشیم دستهای توطئه گراین خائنین بخلقهای میهنمان راهرچه بیشتر روکنیم.

بقیه از صفحه ۲۰ بیادآستاد...

آبیاری کرد. اگرچه رژیم شاه مدعی شدکه اودر نتیجه اصابت "تیرهوائی" بشهادت رسیده است ولی اطرافیان اوشهادتش رانتیجه یک شرور سیاسی وبرنامه ریزی شده میدانند. آنها بهمین جهت درصددستگیری قاتل برآمدندودراین رابطه "ستوان حسن گل نان" و"سرهنگ حسن شاه بیگی" رابه "دادگاه انقلاب" تحویل دادند. اما بعدها مشخص شدکه درجریان محاکمه "شاه بیگی" از اوبازجوئی های لازم دررابطه با شهادت استادنجات الهی بعمل نیامده وهمچنین "گل نان" رااززندان آزادنموده اند. این امربااعتراض شدیداستادان مبارزوخانواده اوروبروشودودادگاه تنها قول رسیدگی مجدد به پرونده شاه بیگی ودستگیری "گل نان" رادادند.

یکی ازهمرزمان اوباتاکیدبراینکه "ما معتقدنیستیم خون نجات الهی رنگین تر از سایرشهداست" میگویدکه اصرارما جهت محاکمه قاتل یاقاتلان اوفقط جنبه انقلابی آنست ولاغیر.

نکته جالب توجه اینکه "دادگاه انقلاب" به دانشگاهیان وخانواده نجات الهی سفارش کرده است، "درحال حاضرکه حسن گل نان دستگیر نشده بهتراست مسئله مسکوت بماندودرمراسم از قاتلان نامی برده نشود"! اما بخوبی معلوم است که این جزتوطئه ای برای پایمال کردن خون این شهیدخلق نیست!

یاد این مبارزشهیدراگرامی میداریم وبا خانواده اوودانشگاهیان مبارزوهمرزمش اعلام همدردی وهمبستگی مینمائیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۲۰ گرامی باد.

مسئولیت از خود، از مردم کوچه و بازار در مورد جمع‌آوری اسناد و مدارک مستند در رابطه با نقش کثیف سیرس نهاوندی در سازمان امنیت استمداد می‌طلبد.

در خرداد ۵۶ در صفحه ۱۲ شماره ۶۳ "ستاره سرخ" نقل شده است که "آنچه در روزنامه‌ها آمده سراسر تحریف است" و تاکید می‌کند که خانه خیابان وشوق، یعنی خانه‌ای که اسیس رفقا در آن شهادت رسیده‌اند، متعلق به آنها نبوده و رفقای شهید، مسعود رجوی، ماهرخ قبال، جلال دهقان، رحیم سنگری، حسن رکن‌زاده، مسعود رضوی و محمدعلی بازیار و امولا ارسطی با سازمان انقلابی نداشته‌اند.

از آنجا که این سازمان سعی فراوان در درج هرگونه ارتباط با شهدای خانه وشوق داشت، در همان شماره "ستاره" تاکید می‌کند که یکی از این رفقای شهید یا دو سال پیش از خرداد ۵۶ بعنوان عضو سازمان چریکهای فدائی خلق زندانی بوده است.

حال برای ما جای بسی شادی شهدای ۳۰ آذر این سوال پیش می‌آید: چه شده است که سازمان انقلابی علیرغم بکدست فعلی عضویت این هفت مبارز شهید، در نظر دارد مراسم بزرگداشتی بنام دود آنان برگزار کند! در توجیه این عمل فرصت طلبانه در سایتی که فعلا با ما جای شهدا، گرفته بودند، همزمان با شهادت رفیق بزرگوار واعظ زاده مطرح کردند که با توجه به عملکرد فعلی سازمان انقلابی، از سوی ما با مخالفت جدی روبرو شد. با استوضح در نشریه "رنجبر" ارگان سازمان انقلابی، و اطلاعیه "شورای ۵۸/۹/۲۶ سازمان انقلابی" بدگوئی زیر کانه فریبکاران شهدا را از آن خود دانسته و اعلام می‌دارد مراسم بزرگداشتی به تحلیل از آنان برگزار خواهد کرد.

با تقدیم این اطلاعیه به خلق مبارز ایران، اسکوبا اعمال فرصت طلبانه، سازمان انقلابی و منحرف جدیدی را که با سپهر برداری از چهره‌های مبارز در جهت پیشبرد منافع فرقه‌ای خود گام برمی‌دارد، بشدیداً محکوم می‌نماییم و اعلام می‌کنیم که مبارزه، صادقانه، رفیق پیروز واعظ زاده را ارج می‌نهیم.

خانواده شهدا ۱۳۵۸/۹/۲۸

توضیح و تصحیح

با پوزش از خوانندگان، در مقاله "چهارمین جشن سالگرد انقلاب اکتبر" بقلم لنین که در پیکار شماره ۲۹ چاپ شده بود، عبارت "المثنی های روسی این تیپ اجتماعی بین المللی" به غلط "المثنی های روسی نوع سوسیال انترناسیونال" ترجمه شده بود که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

در پیکار شماره ۲۸ خبری آمده بود از اعتصاب دانش آموزان راهنمائی دیو کلا از توابع آمل در اعتراض به انتقال یکی از معلمان که فکر می‌کردند اجباری بوده است. ولی با تحقیقات بعدی دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که معلم مزبور بوسیله اداره آموزش و پرورش ولی با درخواست خودش انتقال یافته است.

این دروغ هم به ما نمی‌چسبد!

عموطنان مبارز!

هر زمان که هیئت حاکمه خود را در حل مشکلات عاجز می‌بیند، هر زمان که طرحهای او برای فرو خوابانیدن شورا انقلابی توده‌ها نقش بر آب می‌شود، هر زمان که با مقاومت قهرمانانه توده‌ها مواجه می‌گردد و یا فشاری آنها را در راه تحقق خواستهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی می‌بیند و حتی هر زمان که با اختلافات درونی خود و یا درگیری با همدستان خویش که برای سهیم شدن در قدرت می‌کوشند برخورد می‌نماید... تنها یک چیز را بخاطر دارد و هرگز فراموش نمی‌کند و آن حمله به نیروهای حق، انقلابی و مترقی است. بارها دیده‌ایم قصدی که هیچ ربطی به سازمانهای چپ نمی‌تواند داشته باشد با کمال وقاحت به آنها نسبت داده شده و توده‌های ناآگاه را بر علیه این سازمانها و نیروها شورانیده‌اند. از قصه پرور مطهری گرفته تا داستان آتش زدن خرمن‌ها! با حتی اخیراً در نواحی مختلف کشور توده‌ها نمونه کذب محض دیگر که هیئت حاکمه برای تبرئه خویش و برای منحرف کردن اذهان عمومی و حمله به کمونیستها بیشرمانه و علیرغم همه "حاشا رها شی که آب میکشد" بر افکنده است. مسلماً هیئت حاکمه این دروغها را بر چه هدف نمی‌تافد. موضع طبقاتی او در پشت درپشت مقابل منافع زحمتکشان قرار دارد. این است که بدرستی خطر طلبی را برای سرمایه‌داری و ارتجاع در وجود کمونیستها و نیروهای مترقی می‌بیند. هر چند دروغهای هیئت حاکمه یکی پس از دیگری فاش شده‌اند اما مادر و عکوسان را جز تکرار همان دروغها و اتهامها چاره‌ای نیست و اینک تازه‌ترینش:

پس از حوادث سیر برکه ما علل آنرا در طی دو سه شماره شرح کرده، خطراتی که از سوی مدافعان انقلابی متوجه دشمنان ما را تهدید می‌کند بر شمردیم یکی از عوامل رژیم سام مهدی غروی که اساساً از آذربایجان مرتبی است طی مصاحبه‌ای در کیهان ۲۴ آذر ادعا کرد که سازمان ما "به حوادث سیر برداشی رده و در بطا هرات شفع! آیت الله شریعتمداری شرکت نموده است"!

دو سه شماره کذا از طرف سازمان ما، یکی در سپهران (۱/۹/۱۹) و دیگری در سیر سرا رسوی کمیته آذربایجان (۱/۹/۱۶) انتشار یافته. کوچکترین نقطه‌ای نمی‌گذارد تا دروغگویان جمهوری اسلامی بتوانند برای فرصت سوده‌ها و منحرف کردن سمت مبارزه، ضد امپریالیستی آنان دروغ بسازند. در سپهران شهریور تحت عنوان: "دعوای ولایت فقیه، خانه لیبرالها و هنوز نه خلق آذربایجان" چنین گفته شده است:

"یکی نیست که حرکت مردم سیر بر، اعتراضات به قانون اساسی و ارتجاع حاکم در اصل دارای مضمون مترقی ساده‌ای است لیکن وقتی زیر خرخر حمایت از مرتجعین لیبرال و یا طرحی آنان براه انداخته شود، در مسیری متجاوز از منافع توده‌ها قرار گرفته و طبیعتاً نمی‌تواند مورد حمایت کمونیستها و انقلابیون دموکرات واقع شود".

و در سایه کمیته شریعتمداری چنین آمده است:

"خلق ما سعی نمود رهبری طبقه کارگر و حزب آن در استقلال دموکراتیک، بتواند به خواست‌های خود جامه عمل بپوشاند. طبقه کارگر باید بداند که سیاه راه قطع نفوذ و سلطه امپریالیسم و بازسودی نظام سرمایه‌داری وابسته، در ایجاد حزب طبقه کارگر و رهبری توده‌های خلق به وسیله این حزب می‌باشد. این است که طبقه کارگر در مبارزه خود با حفظ استقلال طبقاتی و شعارها و خواستهای مستقل خود به تاسیس حزب جمهوری اسلامی (حزب خرده بورژوازی مرفه سنتی که در ارتجاع با لیبرالها و حامیان امپریالیسم دست به سرکوب خلق زده است) بپردازد و به تشکیل حزب جمهوری خلق مسلمان، حزب تختی از لیبرالهای ضد انقلابی و احزاب شبیه آن".

امامی که استاندار آذربایجان می‌گوید: "مسئله مرجعیت این روزها در اینجا مطرح است". شبیه سیاه مسخ خود را بازمی‌کند بلکه با خواسته تحلیل ما را که نشان دادیم دعوا، "دعوای ولایت فقیه" است، نشان می‌دهد! او می‌گوید خانه لیبرالهای حزب جمهوری خلق مسلمان را که لانه بورژوازی وابسته و حتی عناصر شناخته شده‌ای از رژیم شاه شده است زیر سرپوش اختلاف بر سر شعیر نظر آیت الله شریعتمداری نسبت به قانون اساسی پنهان نموده و وانمود می‌کند که گویا آیت الله شریعتمداری رفراندوم را تحریم نکرده است، در صورتیکه وی از موضع راست و لیبرالی خویش و در جهت رجوع "دعوای ولایت فقیه" و کشمکش بر سر قدرت، از شرکت در رفراندوم خودداری نمود. اطلاعاتی که بدست آمده نشان می‌دهد که ایشان با پشتیبانی و در واقع با نمایندگی از بورژوازی تجاری بزرگ آذربایجان از چند ماه پیش توطئه را تدارک می‌دیده‌اند. منجمله مقادیر هنگفتی برنج با قیمت گزاف از سوی این تجار از بازار گیلان خریداری شده و در آذربایجان برای "روز مبادا" ذخیره شده است!

در ادامه همان سیاست ارتجاعی و گمراه کننده توده‌ها که هیئت حاکمه بنا بر ماهیت ضد خلقی خود انجام می‌دهد در کیهان ۲۶ آذر می‌خوانیم که دو عضو از سازمان پیکار و ۴ تن از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق و... را می‌خواهند (به اتهامات دروغین) محاکمه کنند. ما از جانب خودمان ضمن محکوم کردن این بیشرمانه اتهامات که میکوشد بین توده‌ها و سازمانهای انقلابی و مترقی جدائی بیاندازد، اعلام می‌کنیم که کسی از سازمان ما در تبریز دستگیر نشده است. ما مواضع خود را در قبال هیئت حاکمه و بورژوازی لیبرالهای تشنه قدرت و عمال امپریالیسم که با ماسکهای گوناگون به صحنه آمده سعی در منحرف کردن جنبش انقلابی توده‌ها و سرکوب آن دارند، بیان کرده‌ایم. ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که دروغ‌پردازی به آرمان‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها و در راه تحقق اهداف طبقه کارگر تا پای جان بر مواضع انقلابی و کمونیستی خود می‌ایستیم.

ننگ بر توطئه گران تفرقه افکن!
پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده‌ها!
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۹/۲۷

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

گرامی‌باد خاطرهٔ هفت شهید، از جنبش انقلابی خلق!

۳۰ آذرماه مصادف بود با سومین سالگرد هفت تن از فرزندان انقلابی خلق، رفقای شهید: مسعود مارمی، ماهرخ فیال، جلال دهقان، رحیم تشکری، حسن زکی زاده، مینا رفیعی، محمدعلی پاریاو، از جمله دلاورانی بودند که در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه و سلطهٔ تمام و کمال امپریالیسم آمریکا، بخاطر آرمان زحمتکشان مبارزه کردند و سرانجام در تاریخ ۳۰ آذرماه سال ۵۵ در جریان توطئهٔ ساواک ـ سروش تهاوندی خائن، قلب‌های مالامال به عشقشان به توده‌های ستمدیده، از حرکت باز ماند. اما خاطرهٔ آنها همواره در یاد خلقهایمان باقی خواهد ماند و راهی را که آنان و تمام شهدای خلق پیموده‌اند، تا به آخر پیموده خواهد شد.

گرامی باد یاد همه شهدای راه آزادی و استقلال

در سومین سالروز شهادت هفت رفیق فوق‌الذکر مراسمی از طرف خانوادهٔ این شهدا در روز جمعه در بهشت زهرا برگزار گردید.

■ ■ ■

رویزیونیست‌های "سازمان انقلابی" که همواره سعی می‌کردند سیروس تهاوندی خائن را تبرئه کنند و از طرف دیگر رابطهٔ خود را با این شهدا انکار کنند، امروز دست به عملی بس اپورتونیستی و شیادانه زده‌اند. آنها کوشش می‌کنند این رفقای شهید را به نوعی به خود منتسب سازند، غافل از اینکه مدتها است که مجنان بازنده است. در پاسخ به عمل اپورتونیستی "سازمان انقلابی"، خانوادهٔ این شهدا اطلاعیه‌ای منتشر ساخته‌اند که به درخواست خودشان در اینجا نقل می‌کنیم:

چگونه سومین سالگرد شهدای ۳۰ آذر مورد بهره‌برداری فرصت طلبانه قرار می‌گیرد

در روز ۳۰ آذر ۱۳۵۵، هفت تن از فرزندان خلق ایران که در رابطه با توطئهٔ خائنانه و ننگین (ساواک ـ سروش تهاوندی)، در یک درگیری مسلحانهٔ تا برابر در خیابان وثوق تهران جان خود را در راه پایداری و ادامهٔ جنبش انقلابی ایران فدا نمودند و با نثار خون خود ماهیت کثیف سیروس تهاوندی رهبر "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" را افشا نمودند و از وارد آمدن ضربات بیشتر به سایر گروهها و سازمانهای مبارز جنبش انقلابی مانع شدند.

اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هائیکه بعد از فاجعهٔ ۳۰ آذر توسط سازمانها و گروههای مبارز در رابطه با ماهیت سیروس تهاوندی توزیع گردیده است، تماماً با موضع بسیار مشخص نقش خائنانهٔ این مزدور را مطرح نموده‌اند. از جمله سازمان مجاهدین خلق (م.ل) در نشریهٔ خبری مورخهٔ دی ماه ۱۳۵۵ عنوان نموده است که (طبق اطلاعات موثقی که از سوی نیروهای مبارز بدست ما رسیده است و همچنین برخی شواهد و علائم دیگر، سیروس تهاوندی که در سال ۱۳۵۲ بنحو مشکوکی از زندان فرار کرده است، یکی از عناصر فعال ساواک می‌باشد.).

در جای دیگر همین نشریه آمده است که (درگیری گروه ۲۰ نفری تابلیس در تاریخ ۱۳۵۵/۹/۳۰ مربوط به همین جریان می‌باشد و سیروس تهاوندی تحماً در آن دخیل داشته است).

در حالیکه در تاریخ بهمن ۱۳۵۵ در صفحهٔ ۳ بولتن دفاعی سازمان دانشجویی سازمان انقلابی در خارج از کشور از سیروس تهاوندی بعنوان یک مبارز صادق و انقلابی نام برده شده است.

علاوه بر این شواهدی موجود است که سازمان انقلابی در مورد ماهیت این خود فروخته به تنها موضع مشخص و قاطعی اتخاذ نکرده، بلکه در این خصوص و بسیاری موارد دیگر سکوت را ترجیح داده است. در شهریور ۵۷ پس از مدتها افشاگری عناصر مبارز و رفع هرگونه شک و تردید در مورد ماهیت پلیسی این شخص، سازمان انقلابی در شمارهٔ ۷۳ ارگان خود (شماره‌ترح) با سلب

بقیه در صفحه ۱۹

بیاد استاد کامران نجات اللهی

شهیدی از دانشگاه، ستاره‌ای از سنگر آزادی

"می میرم از اشتیاق
آتش گرفته میمیرم
بدار آویخته میمیرم
بسمل شده میمیرم
لیک، نگویم هرگز:
گذشت عشقمان، پایان یافت
عشق ما نمی میرد.

(یک شاعر فلسطینی)

مهندس کامران نجات اللهی استاد شهید دانشگاه، فرزند خلف خلق قهرمان کردبود، او در سال ۱۳۳۳ در بیجار متولد شد. طی دوران تحصیل و پس از آن با روح جستجوگر و احساس مسئولیتی که نسبت به سرنوشت توده‌های زحمتکش میهن خود داشت، با ادبیات مارکسیستی آشنا شد و همگام با رشد و اوجگیری مبارزات توده‌ای علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و رژیم دیکتاتوری شاه، بعنوان یک انقلابی متعهد بضرورت شرکت فعال در مبارزه خلق پی برد و از هر طریق که برایش

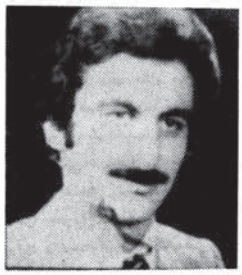

امکان داشت اقدام نمود و با تکثیر و پخش اعلامیه‌های مخفی بر علیه رژیم وابسته شاه و اربابان امپریالیست او به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و در انتشار نشریه "همبستگی" ارگان سازمان ملی دانشگاهیان در دوره اختناق نقشی موثر داشت. او در تحصن دانشگاهیان مبارز در محل دبیرخانه دانشگاه و سپس در وزارت علوم فعالانه شرکت نمود و در یکی از روزهای تحصن (پنجم دیماه) بود که در نتیجه آتشباری چکمه‌پوشان شاه، خون پاکش بر زمین ریخت و درخت آزادی زحمتکشان میهن ما را

بقیه در صفحه ۱۸

توطئه و اتهام علیه مجاهدین خلق را محکوم میکنیم

این روزها ارتجاع، حملات رذیلانهٔ خود علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را تشدید بخشیده است. این سازمان که در مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک میهن ما مجاهدات صادقانه‌ای داشته است طی ماههای گذشته در معرض اتهامها و توطئه‌های گوناگون قرار گرفته، اما همچنان بر بسیاری از مواضع مترقی و دموکراتیک خود، همدا با دیگر نیروهای مترقی جامعه پای فشرده است. حملهٔ مداوم و آشکار یا پنهان عوامل ارتجاع به این سازمان تنها در رابطه با همین پافشاری قابل فهم است.

ما توطئه‌های ارتجاع و عمال امپریالیسم علیه این سازمان را قاطعانه محکوم می‌کنیم و حمایت از این سازمان مترقی را در مقابل یورش ارتجاع، وظیفهٔ کلیهٔ نیروهای ملی و مترقی می‌دانیم.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org